



پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۸۳ / سال هشتم / آبان ماه ۹۸ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



industri
global union

کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال حامی زحمتکشان ایران





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آزر سندیکاهای کارگری ایران شماره ۷۹ تیر ماه ۱۳۹۸ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۶

خانه از پای بست ویران است! ص ۳۲

ما فیا دست بردار نیست! ص ۳۳

قصه رحیم از اهالی دیشموک! ص ۳۴

تامین اجتماعی در اسناد سازمان ملل متحد ص ۳۶

در شرکت ام دی اف هفت تپه خبرهای خوبی بگوش نمی رسد! ص ۳۷

نشت فعالان کارگری و بازنشستگی در خبرگزاری ایلنا ص ۳۸

یاداشتی بر مصاحبه با خبرگزاری ایلنا ص ۴۷

اصابت موشک به اندوخته های زحمتکشان! ص ۴۸

شعرهای کارگری ص ۴۹

دکترین شوک چیست؟ ص ۵۲

مدیر مدرسه ص ۵۳

تلخ و شیرین های کاریم عاشقی ص ۵۵

زنگ خطرهایی بیشتر برای درمان و بهداشت ص ۵۷

من و مسیح زنده و لاتاری! ص ۵۸

تجربه های زنان ص ۵۹

پویش نه سیگارت را با خودت ببر! ص ۶۱

چرا سندیکاهای کارگری با تئولیر ایسم مخالفند؟ ص ۶۴

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.



آذربایجان سرفراز، تسلیت!

مردم زحمتکش میانه از ثروت عمومی خانه هایی سست را به ارمان بردند.

سهام مردم محروم کشورمان از ثروت عمومی، مرگ است و نیستی.

آذربایجان سر ایران است و آذربایجانی‌ها پاره‌ی تن ایرانیان. تنها نبوده‌اند و تنها نخواهند ماند همان گونه که آذری‌های غیور و ایران‌دوست کرمانشاه و لرستان و گلستان را تنها نگذاشتند. همه یک تن و یک هستی هستیم و از هم جدانشدنی. اندام جدا شده از تن، جانی ندارد و آینده‌ای!

از رفقای خود در آذربایجان می‌خواهیم به یاری زلزله زدگان بشتابند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۷ آبان ۱۳۹۸

اتحاد رمز پیروزی است!



به دعوت بازنشستگان کشوری جهت حصول به درمان رایگان، همسازی حقوق ها برای گذران یک زندگی انسانی، نظارت بر صندوق های بازنشستگی توسط صاحبان آنها، شفاف سازی عملکرد مالی صندوق ها، ما بازنشستگان بافنده سوزنی و بازنشستگان فلزکارمکانیک با خواهران و برادران خود روز ۱۹ آبان ساعت ۱۰ در مقابل مجلس ، خیابان مجاهدین اسلام همراه خواهیم شد.

باشد تا اتحاد و پیوستگی مان اعتراضات بر حق مان را به سامان رساند.

بازنشستگان بافنده سوزنی

بازنشستگان فلزکارمکانیک

۸ آبان ۱۳۹۸

کشتار بی وقفه کارگران ادامه دارد!



انفجار در مجتمع ذوب‌آهن هرسین و در کارگاه جمع آوری ضایعات مجتمع ذوب آهن با توجه به وجود مواد سوختنی رخ داده است. بر اثر این حادثه یک کارگر جان خود را از دست داد و ۲ نفر هم زخمی شدند.

سالهاست مدیران کارخانه ها از کیفیت بخش ایمنی کاسته و به قول خودشان صرفه جویی در منابع کرده اند. وزارت کار نیز بخش بازرسی خود را کماکان غیرفعال نگه داشته است.

در این میان آنچه به صرفه!!! است جان کارگران است که به تاراج روزگار و سومدیریت ها می رود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن همدردی با خانواده های این کارگران، مقصران این کشتار را نتیجه سیاست های غلط دولت و وزارت کار می داند.

شادباش

اسماعیل بخشی با وثیقه ۷۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. آزادیش را شادباش گفته، امید که محدودیت‌ها از روی فعالیت‌های صنفی برداشته شود.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۷ آبان ۱۳۹۸

آزادی دوستداران جنبش کارگری شادباش!

طی دو روز اخیر دوستداران جنبش کارگری مرضیه امیری، عاطفه رنگریز، امیر امیرقلی، امیرحسین محمدی‌فرد و سانازالهیاری و سپیده قلیان با وثیقه‌های سنگین از زندان آزاد شدند. اما از یاد نبریم که زنجیر و وثیقه‌های سنگین همچنان بر فعالیت‌های آنان سنگینی می‌کند و صد البته ترفندهای پلیس سیاسی در این بگیر و ببندها و آزادی‌ها از چشمان تیزبین جنبش کارگری دور نمانده است.

ما ضمن تبریک آزادی این عزیزان، آرزوی تندرستی و پرتوان قدم برداشتن در راه جنبش کارگری را داریم و چشم به راه آزادی هرچه زودتر اسماعیل بخشی هستیم.

گسترده تر باد همبستگی کارگری

پرتوان باد جنبش سندیکایی

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۵ آبان

کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال (IndustriALL) خواهان آزادی ۲۱ کارگر در ایران شد!

کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال با نوشتن نامه‌ای به رئیس جمهور ایران خواستار آزادی ۲۱ کارگر شد که در اعتراضات مسالمت آمیز کارگری صنایع آذربایجان اراک دستگیر شده بودند و سرکوب بی رحمانه کارگران معترض این کارخانه را محکوم کرد.

کارگران آذربایجان که از تاریخ ۱۴ مهر در اعتصاب می باشند، در تاریخ ۲۸ مهر در حمله پلیس ضد شورش به طرز وحشیانه ای مصادوم شدند. تعدادی از مجروحین به بیمارستان منتقل شدند ولی، بنا بر گزارش ها، از ترس دستگیری بیمارستان را ترک کردند.

کارگران خواستار پرداخت دستمزد معوقه و بازگرداندن این واحد تولیدی صنایع نیروگاه ها به بخش دولتی شدند. کارگران می گویند که کارخانه صنایع آذربایجان به طور غیرقانونی به مالک فعلی احمد قلعه بانی فروخته شده، که با مشکلات کارگران بیگانه می باشد و دستمزد کارگران را پرداخت نمی کند.

طبق گزارشات واصله دادستان اراک، عباس قاسمی، در ۲۹ مهر، دستگیری و بازداشت ۲۱ کارگر را تایید نمود. در عین حال، اراک در شرایط امنیتی می باشد و خواسته های کارگران هنوز برآورده نشده است.

والتر سانچز، دبیر کل اینداستریال، در نامه ای که در روز اول آبان به رئیس جمهور حسن روحانی نوشت، متذکر شد: "این بسیار نگران کننده است که دقیقاً یک ماه پس از ارسال نامه به شما در مورد حملات وحشیانه به کارگران هپکو، که برای احقاق حقوق خود اعتراض مسالمت آمیز کرده بودند، ما

مجبور هستیم دوباره توجه شما را به سرکوب وحشیانه اعتراضات مسالمت آمیز کارگران آذربایجان توسط نیروهای انتظامی جلب کنیم ”

“ کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال از دولت ایران می خواهد تا ضمن پیروی از قوانین و معاهدات بین المللی کارگری، به سرکوب کارگرانی که برای احقاق حقوق قانونی خود در تظاهرات و اعتراضات عمومی مسالمت آمیز شرکت می کنند، پایان دهد و کارگران بازداشتی آذربایجان را که در تاریخ ۲۸ و ۲۹ مهر دستگیر شدند فوراً آزاد کند. ”

مازیار گیلانی نژاد سخنگوی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران (UMMI) خواستار بازگشت کارخانجات تولیدی و صنعتی به بخش دولتی شد و از دولت خواست که خصوصی سازی صنایع آذربایجان را لغو کند. او افزود:

“ دولت باید صنایع آذربایجان را متعهد کند که هرچه زودتر همه حقوق و دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت نماید. ما تقاضا داریم که پلیس نباید در مسائل مربوط به کارگران یا در اعتصابات اعتراض آمیز کارگران مداخله کند.”

گیلانی نژاد از وزیر کار خواست تا از حقوق کارگران مطابق مفاد قانون اساسی و قانون کار دفاع کند و قبل از اینکه نارضایتی های کارگری به یک وضعیت بحرانی برسند، با هدف احقاق حقوق کارگران معترض در مناقشه مداخله نماید.

کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال

۳ آبان ۱۳۹۸

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برخوردهای پلیسی، امنیتی با کارگران نیشکر هفت تپه، هپکو، آذر آب و دیگر بخش های کشور را محکوم می کند!

با شدت گرفتن اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، هپکو و آذر آب اراک، عوامل امنیتی، قضایی دست به سرکوب گسترده کارگران معترض زده‌اند. تعدادی از این کارگران در زندان محبوس‌اند و تعدادی دیگر از کارگران با وثیقه‌های سنگین از سوی دادگاه انقلاب موقتاً آزاد هستند.

سرکوب کارگران چنان افزایش یافته که حتی چند تن از کارگران نیشکر هفت تپه را که برای دیدار با نمایندگان مجلس به تهران می‌رفتند در جاده خرم آباد توسط پلیس امنیت بازداشت شدند. صاحبان سرمایه و قدرت برای متوقف کردن حق‌خواهی کارگران، وقیحانه از تمام امکانات نیروهای امنیتی و پلیس بهره می‌برند. سرکوب کارگران در حالی صورت می‌گیرد که فقر و گرانی و تورم در جامعه بیداد کرده است و هر روز گرانی افسار گسیخته سفره کارگران و حداقل بگیران را خالی تر و کوچک تر از روز قبل می‌کند. به رغم اینکه حقوق کارگران و مزدبگیران امروز یک چهارم هزینه‌های زندگی را هم نمی‌تواند تامین کند، کارگران نیشکر هفت تپه و آذر آب و هپکو همین حداقل حقوق را هم با تاخیر چندین ماهه دریافت می‌کنند و هر جا هم که صدای اعتراض کارگران بلند شود سیستم امنیتی، قضایی با تمام قوا و امکانات در خدمت کارفرماها و دولت، درصدد خاموش کردن صدای کارگران است و از هیچ امکانی برای خفه کردن صدای به حق کارگران دریغ نمی‌کند.

در چهل سال گذشته بیشترین زیان را کارگران و فرودستان دیده‌اند. حتی در دوره جنگ و سپس تحریم ها، هر چقدر سفره کارگران خالی تر شد در ازای آن صاحبان سرمایه قدرتمندتر و ثروتمند تر شدند بطوری که میانگین شکاف طبقاتی امروز در کشور بی‌سابقه است.

متأسفانه درحال حاضر ده‌ها فعال کارگری یا در زندان هستند و یا با پرونده سازی های سنگین منتظر صدور و اجرای احکام ظالمانه و ناعادلانه هستند تا شاید با این روند صدای میلیونی کارگران را خفه کنند.

با خصوصی سازی سرمایه‌های کشور را به تاراج برده‌اند و کارخانه‌های بزرگ و مهمی نظیر نیشکر هفت‌تپه و هپکو، آذرآب و... را که از نظر تولید در خاورمیانه مطرح بودند را به ورشکستگی کشانده‌اند و کارگرانی چون اسماعیل بخشی را که مخرب بودن سیاستهای خصوصی سازی و بی‌لیاقتی مدیران را فریاد زد به اتهام های واهی به زندان کشاندند و از سر استیصال شوهای تلویزیونی ورشکسته برای گمراه کردن مردم براه انداختند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خود طعم تلخ سرکوب زندان و پرونده سازی و نمایش‌های تلویزیونی از سوی نهادهای امنیتی و صاحبان قدرت را سالیان سال چشیده و با این وجود تا امروز همچنان از حقوق کارگران دفاع کرده است و اتحاد و همبستگی را بخوبی تجربه کرده است. پس به کارگران نیشکر هفت تپه و هپکو و آذرآب نوید می‌دهد در صورت همبستگی و اتحاد قطعا به خواسته‌های به حقتان خواهید رسید. ما باید این واقعیت را بپذیریم که کارگران باید روی خودشان و ایستادگی و مقاومت شان حساب کنند، چرا که در چهل سال گذشته ثابت شده است که هیچ اراده و برنامه اقتصادی تاکنون چه از طرف حاکمیت و چه از طرف دولت‌های مختلف برای سامان دادن به وضعیت اسفبار معیشتی کارگران وجود نداشته و نخواهد داشت و هرگز روزی نبوده است که از روز قبل وضعیت مزدبگیران و کارگران بهتر شده باشد بنا به درک همین وضعیت، کارگران باید بسوی ایجاد تشکیلات مستقل از کارفرماها و دولت و نهادهای دولتی همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، حرکت کنند تا سازمان یافته برای معیشت و زندگی بهتر تلاش نمایند.

سندیکای کارگران شرکت واحد هرگونه تعقیب و زندان و پرونده سازی علیه کارگران، معلمان و حامیان طبقه کارگر را محکوم می‌کند و خواستار آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری دربند می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۳۰ مهر ۱۳۹۸

حمایت کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال از کارگران هپکو

کنفدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگران صنعتی اینداستریال خواستار آزادی ۲۸ کارگر شدند که در حمله وحشیانه به تظاهرکنندگان مجتمع صنعتی هپکو اراک در ۲۵ شهریور دستگیر شدند. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران از سال ۲۰۱۴ عضو رسمی کنفدراسیون جهانی اینداستریال بوده است.

در پی سرکوب خشن تظاهرات مسالمت آمیز کارگران توسط نیروهای امنیتی، تعداد حداقل ۱۵ نفر مجروح و بسیاری دیگر دستگیر شدند. حدود ۹۰۰ کارگر در اعتراض به خصوصی سازی کارخانه و ماه ها تاخیر در پرداخت دستمزد اعتراض کردند.

براساس گزارش ها، تظاهرکنندگان توانستند خط راه آهن شمال - جنوب را برای چند ساعت مسدود کنند که منجر به مقابله وحشیانه نیروهای رژیم ایران شد.

اعضای خانواده بازداشت شدگان و بسیاری از کارگران هپکو به دروازه اصلی زندان اراک رفته اند تا خواستار آزادی عزیزانشان شوند ، که مدت یک هفته است که در بازداشت می باشند.

کارخانه هپکو که ماشین های راهسازی برای ارائه در بازار های ایران و خاورمیانه تولید می کند، در سال ۲۰۱۷ توسط رژیم ایران به بخش خصوصی واگذار شد. از آن زمان تاکنون دستمزد کارگران یا پرداخت نشده یا با تاخیر پرداخت شده است و این مجتمع که زمانی سودآور بوده، دچار سو مدیریت می باشد. بعلاوه ، از زمان خصوصی سازی ، تعداد کارگران از ۸۰۰۰ نفر به ۱۰۰۰ نفر کاهش یافته است.

کارگران هپکو در تظاهرات قبلی خود در ۱۶ شهریور که در مقابل دفتر شرکت برگزار کردند، خواستار شفافیت در مورد مالکیت و وضعیت سهام شرکت شدند. در اکتبر سال ۲۰۱۸، تعداد ۱۵ نفر از کارگران پس از دستگیری در جریان تظاهرات برای پرداخت دستمزدهای معوقه، به زندان و شلاق محکوم شدند.

بسیاری از واحدهای صنعتی در سالهای اخیر و در خلال ریاست جمهوری حسن روحانی به بخش خصوصی واگذار شده اند به این صورت که غالباً زیر ارزش بازار به خودی های رژیم و با تسهیلات و وامهای حمایت شده از طرف دولت فروخته شده اند. مالکین جدید با استفاده از این واحدهای سودآور، اقدام به اخذ وام های جدید برای فعالیت های غیر مرتبط تجاری دیگر می نمایند.

کارگران هپکو خواستار بازگرداندن این کارخانه به مالکیت عمومی هستند و کارگران دیگر واحدهای به بخش خصوصی سپرده شده نیز با آنها همبستگی می کنند.

معاون دبیرکل اتحادیه اینداستریال، کمال اوزکان، اعلام کرد که:

“ ما از دولت ایران می خواهیم که ۲۸ کارگر هپکو را که در ۲۵ شهریور بازداشت شده اند، فوراً آزاد کنند. ما حملات وحشیانه علیه اعتراضات قانونی و مسالمت آمیز کارگران هپکو را محکوم می کنیم. پاسخ مطالبات مشروع کارگران برای پرداخت دستمزد، به هیچ وجه خشونت نمی باشد.”

کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال ۱ مهر ۱۳۹۸

به نقل از فرزانه زیلابی وکیل آقایان ابراهیم عباسی منجری، محمد خنیفر و یوسف بهمنی کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه:

روز یکشنبه بیست و هشتم آبان ماه، مأمورین امنیتی به منزل خواهر محمد خنیفر جهت دستگیری وی، به طرز نامناسبی هجوم آورده و همچنین جهت جلب ابراهیم عباسی منجری و یوسف بهمنی مراجعه کردند که در منزل حضور نداشتند با مراجعه به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش مشخص گردید در پرونده های مطرح شده پیشین علیه موکلانم، حکم جلب صادر نشده و در سیستم نیز پرونده جدیدی علیه آن ها ثبت نشده است. از این رو پس از اعطای وکالت جدید توسط کارگران، با مراجعه به دادستان خود را به عنوان وکیل نامبردگان معرفی نموده که در کمال تعجب دادستان دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان شوش (مصطفی نظری) با عدم پذیرش وکالت اینجانب، از دستور جلب و وجود پرونده جدید علیه آن ها، اظهار بی اطلاعی نمود و رئیس پلیس امنیت شهرستان شوش، نیز اعلام نمود دستوری مبنی بر جلب دریافت ننموده و مأمورین تحت امر وی برای جلب و دستگیری اقدامی ننموده اند.... درحالیکه حسب اظهار موکل (محمد خنیفر)، روز یکشنبه، مأمورین پلیس امنیت شوش از جمله: رنجبر (جو روند) به منزل آن ها هجوم آورده بودند.

آنچه مسلم است، طبق اصل ۳۵ قانون اساسی و مواد ۵ و ۶ قانون آیین دادرسی کیفری هر متهمی حق داشتن وکیل را دارد و ضمانت اجرای قانونی نادیده گرفتن این حق به هر نحو، بر اساس ماده واحده مربوط به انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا، مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، بی اعتباری رأی صادره و مجازات انتظامی درجه سه و هشت و تکرار آن موجب انفصال از شغل

قضایی می باشد، بنابراین، اقدام دادستان شوش، در عمل، نقص آشکار قانون و محروم نمودن متهمان از دسترسی به وکیل است و حق کارگران برای طرح شکایت انتظامی علیه وی محفوظ می باشد. در واقع موکلان می بایست از شروع فرآیند کیفری از امکانات برابر دفاع برخوردار شوند، گویا این گونه دور زدن قانون رویه ی دادستان شهرستان شوش گردیده که با عدم ثبت پرونده و کتمان وجود آن از وکیل، نخست کارگران را به صورت ناگهانی جلب و پس از بازجویی ها نزد پلیس امنیت، پرونده را ثبت و علنی می نماید. لازم به یادآوری است که، علاوه بر قانون آیین دادرسی کیفری، به حق استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در برخی از اسناد سازمان ملل اشاره شده است. در ماده یک اصول بنیادین درباره نقش وکلا مصوب کنفرانس هشتم سازمان ملل پیرامون پیشگیری از جرم و رفتار با مجرم (۱۹۹۰ هاوانا) و نیز مجموعه اصول برای حمایت از افراد بازداشت شده یا زندانی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۸۸) بر این حق تأکید شده است

۳۰ مهر ۹۸

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

فعالیت های سندیکایی جزئی از زندگی بشری است و هیچکس حق ممانعت از این فعالیت را ندارد.

انسانیت بالاتر از ورزش!

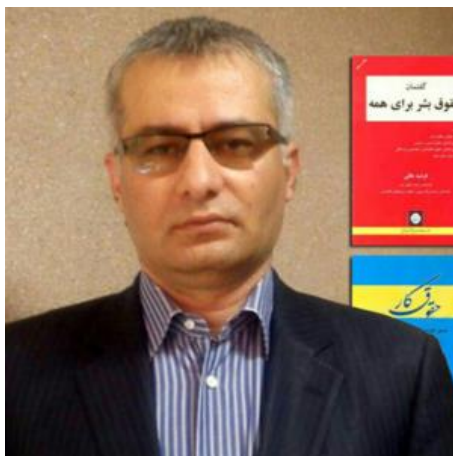


ورزش اگر انسانیت را پاس ندارد، ارزش واقعی خود را از دست می دهد. کوهنوردی ورزش اتحاد، یاری رساندن به هم‌نوع و دستگیری از، در راه ماندگان است. سنت کوهنوردان فلزکار به ما آموخته است، روحیه انسانی را سرلوحه خود قرار دهیم.

با تجاوز ارتش ترکیه به سرزمین مردم بی دفاع کرد سوریه، گروه کوهنوردان فلزکار صعود به قله آارات را تحریم کرده و از همه هم‌نوردان در گروه‌های دیگر کوهنوردی تقاضا می کنیم به این تحریم بپیوندند.

گروه کوهنوردان فلزکار ۲۳ مهر

شب ستاره کش همی، نشسته روی سینه ام



شب ستاره کش همی، نشسته روی سینه ام

به لب رسیده جان ولی، دم سحر نمی زند

شکوفه امیدمو، غم سیاه نمی کند

مرا خزان نمی برد، مرا تبر نمی زند.

هوشنگ ابتهاج

۲۵ مهر ماه، سالروز آخرین نگاه عاشقانه حقوق دانی انسان دوست، یاور کارگران و کودکان کار است.

دکتر فرشید هکی حقوق دان و موسس حزب پیشتازان عدالت و حقوق ایرانیان و وکیل سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بود. مشورت های حقوقی ایشان ما را با بسیاری از قوانین آشنا کرد و کارگرانی با استفاده از دانش حقوقی ایشان توانستند در محاکم از حق خود دفاع کرده پیروزمند از هیات

های حل اختلاف بیرون بیایند. روح سرکش و ظلم ناپذیرش تاب رنج هیچ انسانی را نداشت. برایش زندانی سیاسی، صنفی و عقیدتی فرقی نداشت و برای آزادیشان آنچه در توان داشت را صرف کرد. شهروند مدار و طرفدار دموکراسی که منجر به عدالت شود، بود.

درخت انسانی که او کاشت، هیچ تبری نمی تواند قطع کند. در ۲۵ مهر با او پیمان می بندیم به آرمان های انسانی و کارگریش وفادار باشیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۴ مهر ۱۳۹۸

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

◆ سندیکا باید از طریق تربیت کارگران و منضبط کردن آنان و سازماندهی در مسایل روزمره و به ویژه تبلیغات در میان کارگران، هم مسایل کارگری را ترویج کند و هم برنامه های ضد کارگری را از هر طریق رسوا سازند تا طبقه کارگر در مقابل برنامه های ضد کارگری واکنش شونده.

◆ کانال دانش و کارگر ◆

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن

مدیریت ذوب آهن چه می کند؟



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به وضعیت مالی خوب ذوب آهن، مدیریت از رفع مشکلات ساده کارگران خوداری می کند.

۱- خارج از مرکز کارگران و کارکنان پرداخت نشده است ۲- لباس کار کارگران و کارکنان مدیریت بخش راه آهن و ترابری داده نشده است ۳- برنامه

ای برای توزیع شیر در روزهای پنجشنبه و جمعه وجود ندارد ۴- شارژ کارت غذا و کارت همسران کارگران و کارکنان انجام نیافته است ۵- سهام ترجیحی کارگران و کارکنان آزاد نشده است ۶- قراردادی برای شستشوی لباس کارکنان و کارگران بسته نشده است ۷- چگونگی نحوه پرداخت پاداش تولید معلوم نیست ۸- رختکن مدیریت تولید و توزیع برق به لحاظ امکانات بهداشتی تجهیز نمی گردد ۹- هیچ برنامه ای جهت توزیع گوشت براساس تعداد اعضای خانواده و همچنین سایر همکاران شرکتی مستقر در ذوب آهن وجود ندارد.

چرا طلب کارگران ذوب آهنی داده نمی شود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وضعیت مالی و کاری کارگران ذوب آهن هر روز بدتر می شود و مدیریت براین مشکلات چشم بسته است. کارگران می گویند و می خواهند: ۱- ارایه تدابیری جهت صدور اقساط کارگران قرارداد مستقیم ۲- برنامه ریزی در جهت سیستم جبران خدمت کارکنان با توجه به سختی کار ۳- چرابی کاهش تخصیص سهمیه وام مسکن در ماههای تیر و مرداد برای بخش مدیریت کک و مواد شیمیایی ۴- طفره رفتن از پرداخت خارج از مرکز کارکنان ۵- عدم صدور احکام کارگران و کارکنان قرارداد معین به قرارداد دائم ۶- عدم ایجاد انگیزه کاری و امنیت شغلی برای کارهای سخت ۷- آزمون گرفتن مدیریت در مورد پاداش کارگران کوشا.

مشکلات بی پایان کارگران ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اینکه قرار بود بیمه درمانی تکمیلی دانا مشکلات کارگران ذوب آهنی را حل کند متأسفانه اینگونه که نشده بلکه خدمات دهی توسط این بیمه نامطلوب است. کارگران به خبرنگار ما خواسته های خود را به شرح زیر اعلام کردند: ۱- جهت رفع مشکلات دریافت حق فنی توسط

داروخانه ها براساس قرارداد بیمه تکمیلی دانا تدابیری اتخاذ شود ۲ - قرارداد آزمایشگاهها، رادیولوژی ها با بیمه دانا قطع شده است، کارگران چه باید بکنند؟ ۳ - پرداخت هزینه داندنپزشکی توسط بیمه دانا مشخص نیست ۴ - چرایی افزایش سقف حق بیمه تکمیلی درمان از ۲۲ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان ۵ - اطلاع رسانی از تعرفه و فرانشیز خدمات ارایه شده توسط بیمه دانا از جمله ویزیت، سونوگرافی، داروخانه ۶ - رفع مشکلات کلینیک داندنپزشکی مهرگان نجف آباد به علت عدم پذیرش در روزهای آخر ماه ۷ - استقرار کارگزاری بیمه سلامت برای تمدید و صدور دفترچه خدمات درمانی همانند کارگزار بیمه تامین اجتماعی در شرکت

تفاهم نامه فروش ریل امضا نشد!

مراسم نمادین!! تحویل اولین محموله ریل قطارهای پر سرعت تولید شده در ذوب آهن اصفهان با حضور وزیران صنعت و راه و استاندار اصفهان در اواخر شهریور برگزار شد. جالب توجه اینکه محموله بصورت نمادین به راه آهن سراسری تحویل شد و خریدی در کار نبوده است. و جالبتر آنکه تفاهم نامه فروش ریل که بنا بود با حضور وزیران یاد شده امضا شود به دلیل « آنچه در فشردگی برنامه این دو وزیر » اعلام شد، انجام نگرفت. اینکه تفاهم نامه ای به این با اهمیتی به دلیل فشردگی برنامه امضا نمی شود و محموله هم بطور نمادین تحویل راه آهن سراسری گشته حدس و گمان در مورد دست های پنهان را که نمی خواهند صنعت فعال و دست دلالان کوتاه شود را مطرح می کند.

ظرفیت تولید ریل در ذوب آهن ۴۰۰ هزار تن است و به راحتی قادر به تامین ۱۲۰ هزار تن ریل مورد نیاز کشور است.

مافیا از به کار افتادن چرخ صنعت و کاهش بیکاری کارگران سودی نمی برد!

تعاونی مصرف ذوب آهن و انتخابات جدید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با انتخابات تعاونی مصرف ذوب آهن و انتخاب مدیرعامل جدید این تعاونی، کارگران احساس خطر می کنند. مدیرعاملی که به دنبال کسب سود است نه رفاه حال کارگران. پس از انتخابات تعاونی، اعضای هیات مدیره جدید تعاونی مصرف به حضور مدیرعامل ذوب آهن آقای یزدی زاده رفته و ایشان چنین رهنمود دادند: «به سمت درآمدزایی بروید... رستوران داری کنید... بخش حمل و نقل را به دست بگیرید»....

متأسفانه یزدی زاده ها نه چارچوب فعالیت تعاونی مصرف را می شناسند و نه دغدغه رفاه کارگران را دارند. تعاونی مصرف برای رفاه حال کارگران ایجاد شده نه محلی برای کسب درآمد و رستوران داری؟ پس مدیریت حمل و نقل و خدمات قرار است چه غلطیکنند؟ حتمن این مدیران می خواهند بروند بورس بازی؟! آنچه محل تأسف است این است که هیچکس نمی خواهد به وظیفه اصلی خود بپردازد. مدیرعامل تعاونی مصرف باید دغدغه موارد زیر را داشته باشد: ۱- وضعیت کالاهای ارایه شده در تعاونی با کیفیت نیست ۲- قیمت کالاها باید از اینی هم که هست کمتر باشد تا قدرت خرید کارگران بالا رود ۳- سوددهی باید با جلب نظر خریدار (کارگران و خانواده هایشان) و ارایه کالاهای با کیفیت و فروش بیشتر صورت گیرد.

حادثه در کارخانه ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه ذوب آهن، در پی بروز حادثه در نورد ۵۰۰ متأسفانه ۲ تن از کارگران مجروح شدند. این حادثه در پی خارج شدن پروفیل تیرآهن ۱۸ با دمای ۸۰۰ درجه از مسیر خود اتفاق افتاد و کارگران حیدرعلی امینی و مجتبا یزد خواستی را زیر گرفته و لباس شان را آتش زد. در حال حاضر حیدرعلی امینی در منزل به امور درمانی خود می پردازد.

مدتهاست از طریق نشریه پیام سندیکا به مدیران ذوب آهن گوشزد می شود که ذوب آهن به بازسازی ونوسازی با امکانات روز احتیاج دارد. وضعیت ایمنی نامناسب و فرسودگی دستگاهها بارها عامل حادثه بوده است. هرچند این بار با واکنش سریع مسوول قسمت این دو کارگر کمتر آسیب دیدند اما همچنان حادثه در کمین کارگران است.

در ایران خودرو چه می گذرد؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا با عوض شدن مدیرعامل ایران خودرو این شرکت آماده می شود تا در سال ۱۴۰۰ به بخش خصوصی واگذار گردد. به همین منظور در بخش نیروی انسانی بازنشستگی و عدم جایگزین کردن نیرو و هم چنین اخراج کارگران در الویت ایران خودرو قرار گرفته است.

با آنکه وضعیت مالی شرکت خوب است اما از هم اکنون با حساب سازی ها قرار است شرکت را ورشکسته اعلام نموده و به قیمت ارزان بفروشند

ثروت ملی مردم ایران ملعبه سیاست های ضدکارگری قرار گرفته و به غارتگران تقدیم خواهد شد.

گزارشی از وضعیت انار چینان ساوه!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران روزمزد انارچین شامل کارگران زن که برای جدا سازی انار در انبار کار می کنند و کارگران مرد که شامل (کارگران بازنشسته، کارگران شاغل شیفتی، نوجوانان دانش آموز) می باشند.

کار انار چیندن از ساعت ۷ صبح تا ساعت ۱۶ بعد از ظهر انجام می گیرد که در این فاصله ۱۵ دقیقه برای صبحانه و ۱ ساعت برای نهار نیز وجود دارد. در هنگام چیندن انار اصلا فرصت استراحت وجود ندارد و همواره توسط کارفرما که مانند عقاب کارگران را زیر نظر دارد تحت کنترل است. نهار و صبحانه توسط خود کارگران تهیه می شود و حقوق روزانه ۱۰۰ هزار تومان است ولی چون توسط کارپایی ما رفتیم ۶۵ هزار تومان به ما داده می شود. چیندن انار با وجود تیغ درخت سخت است این کارگران از هیچ گونه امکان رفاهی از قبیل بیمه ، یک وعده غذای گرم ، لباس و دستکش و... برخوردار نیستند و سرویس مناسب برای رفت و آمد نیز وجود ندارد. یک مینی بوس که ظرفیت ۱۹ نفر را دارد ۲۴ تا ۲۶ نفر را سوار می کند که بویژه در هنگام بازگشت که با خستگی زیاد از کار همراه است واقعا سخت است. در مجموع این کارگران از نظر من کاملا بدون پشتوانه و محروم از حداقلهای کرامت انسانی هستند. ❀

مشکلات کارگران میوه چین ساوه

گزارشی کوتاه از کارگران روزمزد، کارگرانی که در شرایط سخت به کار پسته چینی و انارچینی مشغول هستند. ترکیب سنی این کارگران: ۱- دانش آموز از سن ۱۵ سال تا دیپلم. ۲- دیپلم تا دانشجو و کارگرانی که برای خدمت سربازی آماده می شوند. ۳- کارگرانی که شاغل در کارخانه هستند و به صورت شیفت کار کرده و در زمانی که شیفت نیستند برای درآمد بیشتر به پسته چینی و انارچینی می آیند. ۴- بازنشستگانی که برای زندگی بهتر و درآمد بیشتر بدلیل حقوق زیر خط فقر مجبورند مجددن به کارگری روی بیاورند. ۵- کارگرانی که اعتیاد دارند و کارخانه ها آنها را قبول نمی کنند و باید برای ادامه زندگی به این کار روی آورند. ۶- کارگران زن با همان ویژگی ها که برای مردان برشمرديم البته بدون آيتم خدمت سربازی و سن ۱۵ سال. زنان عمومن از دیپلم به بعد هستند و شرایط شان هم از نظر زندگی خانوادگی بسیار نامساعد است. (مطلقه ، نان آور خانواده، سن بالا، داشتن نوه و عروس و داماد، داشتن شوهر مریض و از کار افتاده)

امکانات کاری و رفاهی برای کارگران روزمزد چه چیزهایی است ؟

- ۱- صبحانه فقط چای بدون نان و پنیر و قند، فقط چای. ۲- چون کارگران تا ساعت ۲ بعدازظهر در پسته چینی کار می کنند، نهار داده نمی شود. ۳- ساعت ۵ صبح یک مینی بوس آمده و کارگران را سوار می کند. بعداز یک ساعت و نیم کارگران به محل کار رسیده و کار شروع می شود. باغ پسته متعلق به نهاد هایی چون گروه برکت و ستاد اجرایی فرمان امام و... است.
- ۴- حقوق یک کارگر روزانه ۵۵ هزار تومان است که برای همین حقوق ناچیز کارگران صف می بندند و این نشان کامل از وضعیت بد اقتصادی است. ۵- بیمه وجود ندارد ۶- وسایل کار از قبیل دستکش و ماسک و لباس کار داده نمی شود و هر کارگر باید با هزینه خودش تهیه کند.

مسابقه فوتسال سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ساوه با تیم فوتسال بشکه سازی ساوه



روز جمعه ۳ آبان مسابقه ای بین تیم فوتسال سندیکای کارگران ساوه با تیم فوتسال بشکه سازی ساوه در سالن کارخانه شن سالی ساوه برگزار شد که تیم سندیکا ۸ بر ۵ پیروز میدان بود.

در این مسابقه تیم سندیکا با کاورهای «پویش ته سیگارت را با خود ببر» به میدان آمده تا همبستگی خود را با این پویش به نمایش بگذارد و کارگران را با این پویش و مضرات ته سیگار آشنا کند.

موج بیکاری در مجتمع مس سرچشمه و آزمون استخدامی

سال ۱۳۹۸

بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، پس از چند مرحله اعتصابات جویندگان کار در مجتمع مس سرچشمه که منجر به تعطیلی این واحد نیز گردیده بود، سرانجام مقرر گردیده است که آزمونی جهت استخدام برای این واحد تولیدی برقرار گردد؛ طبق اعلام مسولین تعداد مورد نیاز جذب نیرو حداکثر ۵۰۰ نفر اعلام گردیده و متقاضیان که فقط از سه شهر اطراف، مجاز به ورود می باشند، بیش از ۳۰۰۰۰ نفر هستند. عجیب است، آخرین آزمون برگزار شده برای استخدام نیرو در سال ۹۲ بوده که در همین حدفاصل تا سال ۹۸ بیش از ۱۰۰۰ نفر (طبق آمار رسمی) از همین مجتمع بازنشست گردیده اند؛ کنار هم قرار دادن این ارقام فقط بر نگرانی عمومی از ورود نفرات از مبادی غیر قانونی تاکید دارد.

این مجموعه با چند ده هزار نفر پرسنل رسمی و اقماری پیمانکاران، تا کنون قادر نبوده حتا رضایت و اعتماد نسبی متقاضیان شغل را برآورده سازد و کماکان نیز شرکت کنندگان در آزمون فوق الذکر، امیدی به جذب، بدون استفاده از مبادی غیر رسمی را ندارند که آن نیز از عهده ی عموم شایستگان خارج است. بسیاری از نفرات با وجود در دست داشتن مدارک تحصیلی بالاتر از لیسانس، جهت افزایش شانس جذب خود به ناچار با مدرک دیپلم در آزمون شرکت خواهند کرد، چرا که تعداد نفرات مورد نیاز در رده های تحصیلی پایین تر، بیشتر است؛ اما یاس ناشی از حضور بیش از ۳۰۰۰۰ نفر و جذب ۵۰۰ نفر از چندین فیلتر نامعلوم، همواره این جویندگان را تا شکست همراهی خواهد نمود.

مطالبات کارگران در مجتمع مس سرچشمه



بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، برخی موارد تاخیر در پرداخت مطالبات پرسنلی در این مجتمع وجود دارد که حسب شرایط نابه سامان اقتصادی و معیشتی، لزوم پیگیری مسولین را می طلبد:

شرکت اندیشه کویر: پیمانکار دست دوم پروژه ی توسعه ی تغلیظ، از فروردین ماه سال جاری از پرداخت مطالبات کارگری سر باز زده و هم اکنون نیز در شرایط توقف فعالیت قرار دارد.

شرکت سبافام: پیمانکار ساخت و راه اندازی کوره ی فلش، تا تیرماه حقوق پرسنل را به صورت علی الحساب پرداخت نموده و پرسنل تسویه حساب شده ی این شرکت، هنوز مطالبات نهایی مربوط به سال ۹۷ خود را دریافت ننموده اند.

شرکت جهان پارس: شرایط پرسنل معترض – درج شده در گزارش شماره ی ماقبل نشریه ی پیام سندیکا- به انتقال قرارداد به پیمانکار دست دوم و تغییر شرایط پرسنلی، کماکان هیچ تغییری نکرده است و صرفاً برخورد امنیتی، شرایط موجود را حفظ کرده است و کارگاه موقتاً به حالت عادی بازگشته است.

شرکت دژیل: پیمانکار فعال در معدن، طی کم توجهی به مطالبات پرسنلی، نسبت به پرداخت حقوق سرپرست کارگاه شرکت از اردیبهشت ماه سال ۹۷ اقدام ننموده و مساله در حراست مجتمع مس سرچشمه در حال پیگیری ست.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

نامه یک کارگر پروژه ای

شرکت اویکو واقع در پالایشگاه نفت شهر باقرشهر یک آگهی استخدام نیرو گذاشت من هم تلفنی تماس گرفتم گفتند بیست روز کاره، استادکار روزی ۳۵۰ هزار تومان، مکانیک درجه یک ۲۵۰ هزار تومان، مکانیک درجه دو ۱۵۰ هزار تومان. خوابگاه و امکانات و بیمه فول. دیروز رفتیم پالایشگاه. اوضاع خوابگاه و حمام را که دیدیم خواستیم برگردیم. ۲۵ تا نیرو بودیم. التماس و خواهش که بمانید فردا درست می شود. امروز که رفتیم گفتند همین. قیل از برگشتن مان گفتم بذار حقوق ها را سراغ بگیریم ببینم اونهم دروغ بوده یا نه؟ تست گرفتند. گفتند مکانیک درجه یک. گفتم چرا مکانیک درجه یک؟ چرا استادکار نمیزنی؟ گفت آخرین نفرات هستید. گفتم چرا پشت گوشی چیز دیگه ای گفتید؟ گفت اون سرپرست شرکته، من سرپرست اجرا. گفتم حقوق چقدر است؟ گفت ۱۴۰ هزار تومان روزی، بیمه و مالیات هم کم میشود. حالا اینها به کنار دیشب شام ندادند، امروز هم صبحانه ندادند. از شهر هم دوریم و مغازه ای هم اونجا نبود. برای جای هم قند دونه ای میدادند

با این ترنند کارگران را به محل کار کشیده و حقوق پایین برایشان می زنند

سندیکا، به واحد تشکیلاتی و سازمان کارگران متشکل گفته می شود که از حقوق و منافع و مصالح مشترک اعضای خود در برابر هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق، آسیب کاری و نبود ایمنی کار دفاع می کند و از این راه هویت صنفی و طبقاتی خود را نشان می دهد و نیز استقلال عمل دفاعی خود را به اثبات می رساند. مانند سندیکاهای کارگری در رسته ها و صنف های گوناگون آن و سندیکاهای کشاورزان.

(نگارش حسن سرداری عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران)

◆ کانال دانش و کارگر ◆ بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

نامه جمعی از کارگران شرکت اندیکا صنعت



جمعی از کارگران پروژه ای در نیروگاه سیکل ترکیبی فردوسی مشهد هفته گذشته در اعتصاب بودند. از تیرماه حقوق کارگران پرداخت نشده است. پیمانکار این پروژه آقای مرتضی رحیمی یا شرکت اندیکا صنعت است. اینها زیر مجموعه شرکت مینا بویلر هستند بعد از یک هفته اعتصاب دوشنبه هفته قبل در نیروگاه توسط کارگران بسته شد و اجازه خروج و ورود به کسی ندادند. شرکت مینا هم می گوید شرکت اندیکا بیشتر پول کار رو گرفته و به لحاظ مالی طلبی ندرادیه مقداری مانده که برای حسن انجام کار نگه داشته شده است. در صورتی که از تیرماه تاکنون پرداختی به کارگران نداشته است. ما می خواهیم بدانیم چطور می شود پول شرکت اندیکا بدون اینکه بدانند این شرکت دستمزد کارگانش را نداد با پیمانکار تسویه کرده باشند. در قراردادی که با کارگران بسته شده است بدون در نظر گرفتن عیدی سنوات و دیگر مزایا هست

ما کارگران از این طریق صدایمان را به گوش سندیکا و گروه پایبندگ رسانده تا این شرکت و پیمانکارش را در لیست تحریم قرار بدهید تا کارگران دیگر را چون ما غارت نکنند. مردم بدانند که کارگران با چه زانو صفتانی کار می کنیم

با تشکر جمعی از کارگران پروژه نیروگاه فردوسی مشهد

شرکت اندیکا صنعت

وضعیت کارگران در پتروشیمی ناردیس



از شرکت ماشین سازی اراک، پیمانکاری به نام گلی وجود دارند که متخصص گول زدن کارگران جویای کار است.

چند روز پیش آگهی گذاشتند داخل گروه تلگرامی پایبندنگ که جوشکار می خواهند. وقتی کارگران تماس می گیرند می گوید: «من کفش به کارگر ندارم بدم»، «یه چیزی پا کنن بیان»

بعد آگهی جذب نیرو گذاشتند با نرخ ۲ میلیون و ۵۰۰ پایه. اما وقتی کارگران از گوشه و کنار این مملکت برای در آوردن لقمه ای نان به محل پروژه مراجعه می کنند با این موضوع روبرو می شوند که آقای گلیمی گوید: «پایه ۲ میلیون تومان»

کارگری که با قرض خودش را با دنیایی امید به محل کار رسانده از این پست فطرت اینگونه رفتاری می بیند.

امید که روزی سندیکا‌های کارگری هم از آن چنان قدرتی برخوردار شوند که کارگر توسط سندیکا به محل کار معرفی شود و حق و حقوقش هم محفوظ باشد.

عضویت در سندیکا اولین قدم به سوی حفظ حقوق و شخصیت کارگری است.

در شرکت شکلات سازی فرمند چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت فرمند واقع در شهر کرج با حدود ۴۰۰ کارگر فعال است. امسال مقدار زیادی از محصولات شرکت فرمند در انبارهای شرکت به علت فروش نرفتن، انبار شده است. دلیل این امر را مرغوب بودن و گران بودن محصولات این شرکت است و این امر باعث شده کارفرما به بهانه های مختلف دست به اخراج کارگران بزند. با اینکه در طول سال چند بار کارگران را به مرخصی اجباری می فرستاده اما اگر کارگری یک روز غیبت داشته باشد، به احتمال زیاد او را اخراج می کند. یعنی دنبال بهانه می گردند. از سال گذشته تاکنون حدود صد کارگر را اخراج کرده اند. اضافه کاری ها را قطع کرده اند و این باعث شده که دریافتی کارگران پایین بیاید و به مبلغ ۱ میلیون ۷۰۰ هزار تومان برسد.

موضوع مهمتر، اینکه ماهیانه یک بن پانصد هزار تومانی از فروشگاه رفاه به جای حقوق به اجبار به کارگران می دهند، که یک تحمیل به درآمد کارگران است. زیرا عده ای مشکل اساسی آنها پرداخت های نقدی مانند اجاره مسکن و یا هزینه های دیگر دارند که با بن حل نمی شود. این موضوع باعث شده آنهایی که بیشتر نیاز به پول نقد دارند بن خود را با مبلغ کمتری از ارزش واقعی آن به فروش برسانند. تا شاید بتوانند کمی از مشکلات خود را حل کنند

خبرنگار پیام سندیکا تحمیل بن به کارگران را نقد نمودن طلب شرکت فرمند از فروشگاه رفاه می داند.

انواع آزادیهای گروهی

- ۱- آزادی اجتماعات: به این معناست که افراد بتوانند برای بیان عقاید و افکار و دفاع از منافع خود، بصورت آزاد در اجتماعاتی همچون، سخنرانی و تظاهرات خیابانی و... شرکت کنند. ۲- آزادی تشکلهای گروهی از افراد با آرمانها، عقاید و اهداف فکری مشترک، گرد هم می آیند و تشکل ها را تشکیل می دهند.

◆ کانال دانش و کارگر ◆ بخش آموزش سندیکای کارگران فلنکار مکانیک

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



۱- عدم تحویل کفش کار تعدادی از رانندگان خط یک بی آر تی

با وجود اینکه مدیریت پیش از توزیع کفش کار، از رانندگان سایز گرفته بود اما به دلیل کمبود کفش سایز ۴۲ و ۴۳ هنوز کفش تعدادی از رانندگان داده نشده است. مدیریت ناکارآمد سامانه یک باید پاسخگوی رانندگان باشد که چرا با وجود اینکه پیش از خرید کفش، سایز پای رانندگان را گرفته است اما به دلیل نبود کفش سایز ۴۲ و ۴۳ هنوز کفش تعدادی از رانندگان داده نشده است؟

از زمان توزیع کفش کار رانندگان دو ماه گذشته است و مدیریت دو ماه فرصت داشته تا سایز کفش‌ها را اصلاح کند چرا مدیریت ناکارآمد سامانه یک تاکنون موضوع به این کوچکی را نتوانسته انجام دهد؟

۲- بعد از گذشت دوازده سال هنوز مساعده پرداخت نیمه ماه به کارگران و رانندگان شرکت واحد همان ۵۰ هزار تومان در نیمه ماه می باشد .

با توجه به افزایش حقوق‌ها که در طی این دوازده سال گذشته فقط در شرکت واحد ۲۵ برابر دستمزد کارگران، به دلیل از بین رفتن ارزش پول ملی و فاصله دستمزد با هزینه‌های زندگی افزایش داشته است. متأسفانه مبلغ مساعده، همان بخشی از حقوق که در نیمه ماه به کارگران پرداخت می‌کنند هیچگونه افزایشی نداشته است. هر چند این مساعده از حقوق کارگران در آخر ماه کسر میشود و در فیش حقوقی محاسبه می‌گردد.

اما به دلیل سودی که بانک‌ها بطور روز شمار به سپرده‌ها می‌دهند که در سقف ۸۰۰۰ پرسنل، قطعاً سود زیادی در ماه به حساب شرکت واحد واریز می‌شود و گویا مدیرعامل شرکت واحد به دلیل عدم مشکلات مالی شخصی، در سالهای گذشته اقدامی برای افزایش مساعده برای کارگران انجام می‌دادند و این بهانه که اگر مساعده بیشتر شود کارگران در

آخر ماه کم می آورند مردود است، لذا هرکارگری که نیاز دارد می تواند برداشت کند و برای آنهایی که اواسط ماه نیاز به برداشت ندارند در حسابشان محفوظ خواهد ماند و اگر قرار است سودی عاید شود چه بهتر در جیب کارگر رود. با توجه به درخواست های کارگران و رانندگان برای افزایش مساعده نیمه ماه، مدیریت برای سود بیشتر از جیب کارگران، هیچ توجهی به افزایش مساعده نیمه ماه نداشته است.

باردیگر به مدیرعامل شرکت واحد تاکید می کنیم بجای در نظر گرفتن منافع مالی شهرداری و خوش خدمتی برای روسای بالا دستی، کمی هم به فکر رفاه و معیشت رانندگان و کارگران شرکت واحد باشید .

میانگین حقوق دریافتی هرراننده با اضافه کار در ماه بین ۴ تا ۵ میلیون تومان است که متاسفانه مبلغ پرداختی درنیمه هرماه ۵۰ هزارتومان، این نشانگر بی تدبیری و بی توجهی مدیریت شرکت واحد نسبت به مطالبات معیشتی کارگران است.

۳- استفاده اختصاصی از امکانات شرکت واحد در سامانه جانبازان برای مدیران

بنابر گزارش و تصاویر ارسالی برای سندیکا، مدیریت سامانه جانبازان دستور داده از امکانات کارواش و استفاده از توقفگاه شرکت واحد بصورت اختصاصی برای مدیران و نورچشمی ها استفاده گردد علی رغم این موضوع و با وجود اینکه در توقفگاه سامانه جانبازان فضای کافی برای استفاده همه کارگران بعنوان پارکینگ وجود دارد اما سامانه جانبازان اجازه ورود خودرو کارگران به داخل سامانه را نمی دهد. گزارش هایی وجود دارد که لوازم خودرو کارگران که در خیابان پارک بوده به سرقت رفته است .

در گذشته سرویس ایاب و ذهاب منظم برای کارگران وجود داشت اما در سال های اخیر از میزان سرویس ایاب و ذهاب و تنوع مسیرهای آن کاسته شده است و به همین دلیل کارگران بیشتری مجبور و ترغیب شده اند که با وسیله شخصی خود به سرکار بیایند و با وجود اینکه کم شدن سرویس ایاب و ذهاب از هزینه های کارفرما کاسته است اما با این وجود و در شرایطی که امکانات و فضای کافی در توقفگاه ها برای پارک خودرو کارگران وجود دارد اما مدیریت شرکت واحد رفاه کارگران را مدنظر ندارد و اجازه پارک خودرو کارگران در توقفگاه را نمی دهد.

خانه از پای بست ویران است!

در روزنامه شهروند به شماره ۱۸۱۸ به تاریخ ۲۵ مهر، ابلاغیه ای از وزارت ارشاد در مورد تدوین شیوه نامه پوشش بازیگران در مراسم عمومی و تشکیل شورای سلبریتی ها در وزارت خانه درج شده بود.

اینکه وزارت ارشاد به لحاظ فرهنگی چه باید بکند و چه می کند و دغدغه های فرهنگی جامعه را به کدامین سو می برد از این ابلاغیه به وضوح نمایان است. این در حالی است که وضعیت صداوسیما، سینما، تاتر، ادبیات، موسیقی و... رو به انحطاط می رود و هر روز با کالاهای فرهنگی بی ارزشی در جامعه روبرو می شویم که دغدغه وزارت ارشاد نیست.

در کشور ما ابلهان و نادانان قدر دیده و بزرگ نمایی می شوند و این در حالی است که کسانی همچون شفیعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج، بهرام بیضایی توسط رسانه های فرهنگی دولتی در بایکوت کامل به سر می برند، و باید دغدغه متولی فرهنگ کشور لباس بازیگران و سلبریتی ها بشود.

دسته دسته دختران این مرز و بوم راهی فاحشه خانه های ترکیه و کشورهای عربی می شوند، دغدغه وزیر فرهنگی کشور نیست. سن فحشا به زیر ۱۴ سال رسیده است و به همت مسوولین فرهنگی چشممان به مردان فاحشه نیز روشن شده است آنگاه در پی شلوار و آستین زنان بازیگر هستند.

فقر از سر و کول جامعه بالا رفته، مدارس هر روز خالی تر از فرزندان ایران زمین می شود، کودکان کار به یمن سیاست های غلط هر روز بیشتر می شوند، آمار ازدواج دختران زیر ۱۴ سال افزایش می یابد، زنان بازیگر از دست آزارهای تهیه کنندگان و کارگردانان به رییس صداوسیما نامه می نویسند، ولی هنوز دغدغه وزیرمان بالا و پایین بودن چارقد بازیگران است.

تحریریه پیام سندیکا

آری، خانه از پای بست ویران است!

مافیا دست بردار نیست!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه کارخانه ذوب آهن از سال گذشته دست به تولید ریل ملی تحت آخرین استانداردهای جهانی زده است و توقع این بوده که سازمان مترو و راه آهن سراسری از ذوب آهن ریل مورد نیاز خود را بخرند اما در آخرین اظهارات مدیرعامل این کارخانه چنین می خوانیم: «واردات ریل بر اساس قانون رفع موانع تولید، غیرقانونی است»

و این به معنای این است که مافیای قدرتمند و عوامل آنان در راه آهن و مترو همچنان ارزهای ارزشمند کشور را صرف واردات و فروش به این نهادها می کنند تا کارخانه ذوب آهن از نفس افتاده و کارگزارانش بیکار شوند.

تحریریه پیام سندیکا: ما بارها گفته ایم دست مافیا از صنعت و منابع مالی و بویژه از دولت باید کوتاه شود تا صنایع مادری همچون ذوب آهن، نیشکر هفت تپه، صنایع فولاد، ماشین سازی ها از جمله هپکو و آذراب و ماشین سازی و تراکتورسازی تبریز جان بگیرند. تا در دولت عوامل مافیا در پی نابودی صنعت هستند و برای خود دولتی در سایه تشکیل داده اند مشکل بیکاری و عقب افتادن حقوق کارگران و صنعت، حل نخواهد شد.

قصه رحیم از اهالی دیشموک

به روستای «پاتاوه رود سمه» می‌روم. روستایی نزدیکتر از سرگچ به دیشموک با جاده‌ای خاکی. به دیدن همسر زیبا می‌رویم. مردی جوان که دائم می‌گوید آنقدر تحت فشار است که شاید خودش هم دست به خودکشی بزند. رحیم خانه نوسازی دارد.

دختر چهار ساله و پسر هفت ساله‌اش را به کوچه می‌فرستم تا پای حرف‌های او بنشینم. بچه‌هایی که زمان خودسوزی مادر در خانه بوده‌اند اما هنوز مرگ مادر را باور نکرده‌اند. وارد اتاق که می‌شوم قاب عکس «زیبا» بالای رختخواب‌های رنگارنگ، پشت پارچه‌ای سفید، حضوری غایب است. رحیم می‌گوید روی عکس همسرش پارچه انداخته تا بچه‌هایش نبینند و بهانه نگیرند.

رحیم که ۳۲ ساله است و فوق دیپلم جغرافیا دارد، چند سالی دهیار روستا بوده و برای رفع محرومیت‌های روستا کم نگذاشته. برای بی‌آبی، فقر مردم، جاده‌ای که با وجود زیرسازی هنوز هم خاکی مانده و... اما از وقتی که دیگر به‌عنوان دهیار انتخاب نشد بیکار ماند و با آن جثه کوچکش نتوانست سراغ کارگری برود یا مثل بقیه جوانان روستا در باغملک و ایذه خوزستان دنبال کار در ضایعاتی یا سیب چینی باشد: «آن روز باهم بحث کوچکی داشتیم. می‌خواست برود خانه پدرش، من گفتم نرو! دست رویش بلند نکردم فقط بحث کردیم. بعد آمد داخل خانه خودسوزی کرد. من هم خانه بغلی بودم تا برسم کاری از دستم برنیامد. با گازوئیل خودش را آتش زد. هفت روز دیگر بچه‌اش به دنیا می‌آمد، بچه هم از بین رفت. آمبولانس که آمد ۲ ساعت در دیشموک معطل کردند بعد یک شب در دهدشت کوتاهی کردند و بچه را درنیاوردند تا بچه از بین رفت.

آشپزخانه را نشانم می‌دهد. دو کودکش همان جایی ایستاده‌اند که مادرشان دست به خودسوزی زد. از او می‌پرسم واقعاً یک بحث کوچک کار را به اینجا کشاند؟

رحیم که بغض راه صدایش را بسته سرش را پایین می‌اندازد، انگار سقف خانه روی دوشش سنگینی می‌کند: «من سال‌هاست که دارم قرضی زندگی می‌کنم. آبرویم می‌رود اگر بگویم اما می‌گویم، فقر آقا فقر امان ما را بریده. همه چیز به‌خاطر فقر است. از من لباس خوب می‌خواست من نداشتم. از من امکانات می‌خواست نداشتم...» او تعریف می‌کند که هر بار بحث خودسوزی زنان می‌شد همسرش با تعجب می‌گفت مگر می‌شود کسی خودش را بسوزاند، پس تکلیف بچه‌ها چه می‌شود؟

می‌گوید: «من هنوز تعجب می‌کنم چرا خودش دست به این کار زد.» حالا سه ماه بعد از خودسوزی همسرش، رحیم با لباس سیاهی که هنوز از تن درنیآورده، مانده با ۱۲۰ میلیون تومان بدهی مراسم فوت همسرش چه کند. یک چرخه باطل؛ زنی در فقر می‌سوزد و مردی زیر بار بدهی‌های مراسم ختم خم می‌شود و به خودکشی فکر می‌کند. رحیم می‌گوید بعد از فوت زنش تقریباً به هفت هزار نفر غذا داده است. من از مردم روستا شنیدم که امام جمعه شهر درحال فرهنگ‌سازی برای کم کردن مخارج بعد از فوت است. رحیم حالا با دو فرزندش که هر روز بهانه مادر را می‌گیرند تنهاست. همسایه‌ها و خانواده همسر کمکش می‌کنند اما نمی‌داند چطور از پس مخارج بربیاید. در راه برگشت به زنانی فکر می‌کنم که در نبود جاده آسفالت نمی‌توانند بیش از مقطع ابتدایی درس بخوانند تا بفهمند چه حقوقی در زندگی دارند. به مردان و زنانی که قربانی جاده‌ها می‌شوند. به بیماری که به بیمارستان نمی‌رسد. به فقر و محرومیتی که می‌سوزاند.

تامین اجتماعی در اسناد سازمان ملل متحد

اصل ۵۵ منشور به سازمان ملل متحد مأموریت داده است تا برای ارتقای سطح زندگی و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی فعالیت کند. بر همین اساس سازمان در سال ۱۹۴۲ در سانتیاگو پایتخت شیلی کنفرانس بین المللی تامین اجتماعی را برگزار کرد و توصیه هایی به منظور تعمیم و توسعه تامین اجتماعی ارائه داد. در همین راستا- اعلامیه جهانی حقوق بشر که- ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ - از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد صادر شد در ماده ۲۲ خود اصلی را مقرر می دارد که بر طبق آن هر کس به عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از تامین اجتماعی را دارد.

ماده ۲۳- این اعلامیه بر حق کار، حق به دست آوردن درآمد منصفانه، حق عضویت آزاد در سندیکاها و اتحادیه ها

ماده ۲۵- اعلامیه نیز مقرر می دارد هر کس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تامین بهداشت و رفاه خود و خانواده اش به ویژه از خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی مناسب برخوردار باشد

همچنین به هنگام بیماری، بیکاری، طلاق و پیری یا دیگر شرایطی که فرد به عللی خارج از اراده انسان از وسایل امرار معاش محروم می شود، باید از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود همچنین طبق اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت موظف است، برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، بیکاری و از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی و حوادث و سوانح نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت ها از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تامین کند.

پیش به سوی احیای سندیکاها و اتحادیه های کارگری

با هدف ارتقا بخشیدن سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران آبان ۱۳۹۸

در شرکت ام دی اف هفت تپه خبرهای خوبی بگوش نمی رسد!

پس از واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی بامشارکت شخصی بنام طاهرخانی که ظاهرا از نزدیکانی اسدببگی ها است و دارای شرکت ام دی اف درماهشهر بوده و درصنعت چوب فعال است با واگذاری چند هکتار زمین جنب دروازه شاور توسط بخش خصوصی نیشکر تاسیس شرکت مذکور را به عهده گرفت و درحال حاضر درحال نصب سوله و قطعاتی از شرکت مذکور است پروژه البته تا تکمیل طرح حدود ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و حدود ۴۰ نفر کارگر در این پروژه مشغول بکار هستند. اکثر کارگران بجز تعداد انگشت شماری فاقد قرارداد هستند و بصورت روزمزد و با مبلغ پنجاه هزار تومان در روز مشغول بکار هستند و فقط در روزهای که بکار گرفته میشوند مزد میگیرند. از نظر بیمه ای تعدادی بسیار محدودی از آنها بیمه هستند و اخیرا نیز از کارگران برگه هایی تحت این عنوان که کارگر تمام حق و حقوق خود را طبق قانون کار گرفته اخذ شده است این کارگران فاقد پیش حقوقی هستند و از داشتن ابزار ایمنی محروم هستند در این پروژه افرادی دچار حادثه شدند به حق خود که نرسیدن تازه از کار اخراج نیز شده اند و در موردی دیگر کارگر بعد از حادثه تعهد گرفته میشود که علاوه بر خسارت جسمی هیچ گونه شکایتی ندارد. اکثر استخدامات جهت رضایت افرادی خاص صورت می گیرد و شایسته سالاری وجود ندارد. گفته میشود بصورت محدود و فقط چندبار با زرس اداره کار در کارگاه حاضر شده ولی شرایط تغییر نکرده است کارگران بدلیل امنیت شغلی و فلاکت اقتصادی نمیتوانند به اداره کار شکایت کنند و در واقع با سهل انگاری و بی تفاوتی اداره کار و لگدمال کردن حقوق قانونی و شرعی این پرسنل توسط کارفرما مواجه هستند.

متأسفانه بدلیل حمایت از سرمایه گذاری مسئولین بخصوص وزارت کار چشم خود را بر تخلفات اینگونه کارفرمایان بسته است که دلیل اصلی تجمعات کارگری در سالهای اخیر که روبه افزایش است نتیجه بی اعتمادی کارگر به وزارت کار است.

از مسئول مربوط تقاضا میشود که به دادکارگران زحمتکش این شرکت برسند و کارفرما را مجاب به رعایت قانون کنند و بدینوسیله بیش از بیس از شکاف طبقاتی جلوگیری کنند.

جمعی از فعالین کارگری و حقوق بشری شهرستان شوش دانیال

نشستِ فعالانِ کارگری و بازنشستگی در خبرگزاری ایلنا



در نشستِ فعالانِ کارگری و بازنشستگی در خبرگزاری ایلنا مطرح شد:

جلسات هیات امنای تامین اجتماعی، شستا و صندوق‌های بیمه‌ای را در اتاق‌های شیشه‌ای برگزار کنید/ با یکسری قوانین ضدتولید، ضدکارگر و ضدمنافع ملی مواجه هستیم/ می‌خواهند بانک رفاه کارگران را به بانک بورس‌بازان تبدیل کنند

جلسات هیات امنای تامین اجتماعی، شستا و صندوق‌های بیمه‌ای را در اتاق‌های شیشه‌ای برگزار کنید/ با یکسری قوانین ضدتولید، ضدکارگر و ضدمنافع ملی مواجه هستیم/ می‌خواهند بانک رفاه کارگران را به بانک بورس‌بازان تبدیل کنند

فعالان صنفی کارگران و بازنشستگان بر این نظر هستند که اداره شرکت‌های شستا با وضعیت فعلی ممکن نیست و واگذاری آنها در بورس، وضعیت را بدتر از این خواهد کرد. آنها بر شفافیت تاکید دارند و اجرای قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی را مطالبه می‌کنند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، تحولات جمعیتی موجب شده‌اند که دولت‌ها اولویت‌های خود را در امور اجتماعی و اقتصادی تغییر دهند. دولت‌هایی که تا پیش از این صرفاً توسعه صنعتی را در دستور کار داشتند و سال‌ها به دور محور رشد چرخیدند، ناچار شدند که تامین آتیه و رفاه نیروی کار را در اولویت بگذارند. به همین خاطر توقع نیروی کار به عنوان عامل اصلی تولید، بالا رفت. آنها حالا درمان رایگان، مقرری بیکاری، مستمری

و... مطالبه می‌کنند و هر عاملی که این حق را از آنها بگیرد، محکوم می‌کنند و به جدال با آن می‌پردازند. در ایران از دهه ۵۰ نیروهای کار حول این خواسته‌ها متحد شد؛ البته به تدریج. اما از یک دهه پیش که بحران در صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی نظیر سازمان تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگان کشوری، صندوق بازنشستگان فولاد، صندوق بازنشستگان صنعت نفت و... تشدید شد، آنها شروع به کاهش سطح خدمات خود در حوزه‌های درمان و بازنشستگی کردند؛ ضمن اینکه مدیریت این صندوق‌های دولتی و شبه دولتی به سبب حاکمیت سیاست بر مناسبات بیمه‌ای، روزبه‌روز ناکارآمدتر شد.

در نشستی که با حضور «حسین دانشوران» فعال صنفی کارگران بازنشسته و «مازیار گیلانی‌نژاد» فعال صنفی کارگران فلزکار مکانیک در ایلنا برگزار شد، کاستی‌های این حوزه را واکاوی کردیم.

ایلنا: سیاست‌گذاران حوزه اقتصاد اجتماعی، با در نظر داشتن «اصل ۲۹ قانون اساسی» لایحه ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی را تدوین کردند. مجلس شورای اسلامی هم آن را تصویب و تبدیل به قانون کرد. در ماده ۶ این قانون که به اصول و سیاست‌های ساختاری نظام جامع تامین اجتماعی می‌پردازد، راهبردها تعیین شده‌اند؛ برای نمونه در بند (د) نوشته شده مشارکت بخش غیردولتی به معنای رفع مسئولیت از دولت نیست و در هرحال «دولت مسئولیت تامین اجتماعی» را به عهده دارد. در ماده ۷ هم می‌بینیم که پایداری منابع مالی شامل ۱۱ مورد است؛ از جمله «ایجاد تعادل بین منابع و مصارف صندوق‌های بیمه‌ای» در کل مطلوبیت‌های مختلفی تعریف شده است؛ اما صندوق‌ها هر روز ضعیف‌تر می‌شوند و تعادل منابع و مصارف آنها به دلایل مختلف بیشتر و بیشتر برهم می‌ریزد. این در حالی است که یک سیستم نظارتی بر اجرای این قانون تعریف شده است؛ اما خروجی مطلوبی وجود ندارد. نظر شما در این مورد چیست؟ برای جبران این خلاء چه باید کرد؟

دانشوران: این قانون در نهایت به تایید شورای نگهبان رسید. بنابراین عالی‌ترین نهاد فقهی-حقوقی کشور آن را تایید و لازم‌الاجرا کرده است؛ اما صندوق‌ها به ویژه تامین اجتماعی درگیر موضوعاتی شده‌اند که آنها را ضعیف کرده است. به جای اینکه ذی‌نفعان صندوق‌ها در اداره آنها مشارکت داشته باشند، سیاسیون حاکم هستند. در نتیجه صندوق‌های بازنشستگی زمین معاملات سیاسی شده‌اند. این در حالی است که هدف از تصویب این قانون تقویت نظارت‌ها و محکم کردن سازوکارهاست تا در نهایت از تاراج صندوق‌ها جلوگیری شود. ماده ۱۴ این قانون ترکیب شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی را مشخص کرده است. رئیس‌جمهوری به عنوان رئیس شورا و وزیر رفاه و تامین اجتماعی به عنوان دبیر شورا انتخاب شده‌اند. وزیر دفاع، وزیر کشور، وزیر بهداشت و چند نفر دیگر هم عضو نهاد عالی رفاه کشور هستند. با این همه تنها چیزی که معطل

مانده، نظارت است. معاملات زیان‌بخش بسیاری به صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی و سایر صندوق‌ها تحمیل شده است که در نتیجه آنها غارت شدند. افرادی که تنها به سود خود فکر می‌کنند در صندوق‌ها سوداگری به راه انداخته‌اند و با در دست گرفتن منابع بازنشستگان به آنها پشت کرده‌اند و آن کار دیگر می‌کنند. بنابراین ما ابتدا باید نظارت‌ها را کامل کنیم. باید افرادی را که با ترفندهای خود مانع از نظارت بر امور مالی صندوق‌ها به دست بازنشستگان می‌شوند، کنار بگذاریم. مراجع ذی‌صلاح مانند قوه قضاییه باید به زوابع در صندوق‌های بازنشستگی رسیدگی کنند؛ چراکه با تشدید بحران صندوق‌های بازنشستگی تنها به ذینفعان ظلم نمی‌شود که حقوق ملت تضییع می‌شود. منابعی که در صندوق‌ها حیفاومیل شده‌اند باید بی‌کم و کاست بازگردند. حجم این منابع با توجه به سودی که به آنها تعلق می‌گیرد، سر به هزاران میلیارد تومان می‌گذارد. با این منابع می‌توان همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی را پس از چند سال معطلی اجرا کرد. بنابراین خواسته اول نمایندگان بازنشستگان این است ماده ۱۴ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی کامل اجرا شود. در حال حاضر قانون به درستی اجرایی نمی‌شود. قانون ساختار باید مو به مو اجرا شود. نباید امور را نصف‌ونیمه رها کرد. این رها کردن و سفت‌وسخت نگرفتن موجب شده که تعادل مالی صندوق‌ها برهم بریزد و بازنشستگان به ویژه مستمری‌گیران تامین اجتماعی، متضرر شوند. قیمت سبد هزینه‌های زندگی ۳ تا ۴ برابر حقوق بازنشستگان حداقلی بگیر است. اگر قانون ساختار دولت را در قبال تامین اجتماعی مکلف به پاسخگویی کرده، چرا نهاد اجرایی کشور به معیشت مستمری‌گیران در قوانین بودجه‌ای توجه نمی‌کند؟ اینها به کنار، چرا بدهی بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی خود را پرداخت نمی‌کند؟ چرا سایر اعضای شورایی رفاه و تامین اجتماعی به دولت نهیب نمی‌زنند؟ چرا از رئیس دولت نمی‌پرسند که چرا به عنوان رئیس شورا به تکالیف در قبال سازمان تامین اجتماعی و در راس آن نظام تامین اجتماعی که اصل ۲۹ قانون اساسی بر آن تاکید می‌کند، عمل نمی‌کنید؟ این است که می‌گویم نظارت‌ها باید محکم شوند و قوام گیرند. نظارت بازی کودکانه نیست که هروقت حوصله‌مان سررفت رها کنیم و به سراغ بازی دیگری برویم. یکی از موارد بحث برانگیز، انتصاب افراد در صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آنها نظیر شستا و آتیه سازان است؛ افرادی عمدتاً بی‌ربط به حوزه درمان و بازنشستگی که با هیچ معیاری حتی مدیر هم محسوب نمی‌شوند. اینها از قوانین بیمه‌ای اطلاعی ندارند؛ حتی یک شرکت را هم از مجموعه‌های اقتصادی که پیشتر در آنها کار می‌کردند، به سوددهی نرسانده‌اند. معمولاً به مدیر پروازی معروف هستند و بلافاصله پس از انتصاب در صندوق چندین مشاور، یک رئیس دفتر، یک یا چند منشی از حساب صندوق به آنها خدمت می‌دهند. به نظر شما آیا می‌توان با سازکارهای پیش‌بینی شده در همین قانون و مطالبه‌گری حول آن، حضور این افراد را به عنوان مدیر در واحدهای اقتصادی صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای محدود کرد؟

گیلانی‌نژاد: یکی از پرسش‌های جامعه بیمه‌پردازان از رئیس‌جمهوری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی این است که چطور قانونی را که شورای نگهبان تصویب کرده، اجرایی نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که دست‌های پنهان و قدرتمندی وجود دارند که مانع از اجرای قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی می‌شوند. زمانی که قانون بر اداره صندوق‌ها حاکم نباشد و بی‌قانونی حاکم باشد، انتصاب‌هایی که به سود این مجموعه‌ها نیست و کارکرد سیاسی دارند، موجب ورشکستگی صندوق می‌شوند. زمانی که این افراد به عنوان مدیر وارد هیات مدیره شرکت‌های تابعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌شوند، خدم و حشم خود را هم می‌آورند. جای پای این افراد آنقدر در مناسبات اقتصادی حاکم بر شرکت‌ها محکم می‌شود، که شرکت‌ها به راحتی توسط این افراد و وابستگان آنها تصاحب می‌شوند. آنها تراز مالی شرکت‌ها را مثبت نشان می‌دهند و از ورشکسته اعلام شدن‌شان جلوگیری می‌کنند. در نتیجه این عملکرد شرکت‌های وابسته، صندوق‌ها نمی‌توانند پاسخگوی بازنشستگان باشند. حقوق‌های آنها را دیر پرداخت می‌کنند، پای شرکت‌های خصوصی و دولتی را به عنوان ارائه دهنده خدمات بیمه تکمیلی، باز می‌کنند و رفاهیات بازنشستگان را قطع یا کم می‌کنند. منظور از رفاهیات تسهیلات بانکی، سفرهای زیارتی و... است. البته بازده پایین شرکت‌ها به فضای اقتصادی کشور هم برمی‌گردد؛ اما بیشتر از اینکه اقتصاد کشور هزینه بر دست صندوق‌ها بگذارد، مدیران نااهل چنین صندوق‌ها را مورد تاخت‌وتاز قرار می‌دهند. به یکباره می‌بینیم که یک صندوق بازنشستگی اعلام می‌کند که نمی‌تواند از پس تعهداتش برآید. خب چرا نمی‌تواند؟ دیگر صندوق‌ها منهای تامین اجتماعی هم همینطور. البته این آرامش نسبی هم در تامین اجتماعی ابدی نیست.

ایلنا: با این حساب صندوق‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری موفق عمل نکرده‌اند.

گیلانی‌نژاد: به نظر می‌رسد که صندوق‌ها نتوانستند بازارهای پایدار و با بازدهی بالا را پیدا کنند یا حتی اگر هم پیدا کرده‌اند به سبب رشد بازارهای غیرمولد، سرمایه‌ها را بر باد داده‌اند. مدیران ناکارآمد صندوق‌ها را تضعیف کرده‌اند. صندوق‌ها ناچار به سرمایه‌گذاری در بازارهای اشتباه نشده‌اند. آنها خود این بازارها را انتخاب کردند و در قلمروهای کم بازده با حاشیه سود پایین پا گذاشتند. نظر نمایندگان بازنشستگان و بیمه‌شدگان را هم جویا نشدند؛ کار خود را کردند و نه حالا که ضرر می‌دهند و نه آن زمان که می‌خواستند سرمایه‌گذاری کنند، به این مسائل توجهی نداشتند.

ایلنا: صندوق با انباشته بدهی‌ها مواجه هستند؛ بدهی به دولت و بدهی به بانک‌ها. البته از دولت طلب هم دارند؛ مانند تامین اجتماعی که بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان طلب از دولت دارد و حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بدهی به بانک‌ها. حالا با وخیم‌تر شدن اوضاع

به دنبال انجام اصلاحات پارامتریک و کاستن از خدمات رفاهی هستند؛ به ویژه در تامین اجتماعی که بحران در آن به مرحله‌ای جدی رسیده است.

دانشوران: امری که بسیار به چشم می‌آید و در ذوق می‌زند پاسخگو نبودن آنهاست. هر از چندگاهی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، ارقامی از بدهی‌های سازمان را اعلام می‌کند؛ اما یکبار نشد که جلسه‌ای تخصصی با حضور دلسوزان حوزه تامین اجتماعی، فعالان صنفی، اقتصاددانان، کارشناسان بازار سرمایه، مقام‌های دولت و سازمان برگزار کنند تا طرف‌های مقابل هم نظر خود را اعلام کنند و تصمیم‌ها و سیاست‌های کلی سازمان را به چالش بگیرند. در صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی دیگر هم اوضاع به همین ترتیب است. در چنین فضایی دست‌های قدرتمند سرمایه‌های بیمه‌شدگان را صرف امور غیرضروری می‌کنند؛ برای نمونه ملک می‌خرند یا املاک قدیمی را می‌فروشند و صرف کارهای دیگری می‌کنند. در چنین شرایطی نمی‌توان به اصلاح وضعیت صندوق‌ها امیدوار بود. قانون ساختار می‌گوید که نمایندگان کارگران و کارفرمایان هم باید در کنار مقام‌های عضو شورای عالی تامین اجتماعی بر سر میز بنشینند؛ اما دولت‌ها شرکای اجتماعی را به کار نمی‌گیرند.

گیلانی نژاد: همین موجب شد تا بار مالی حمایت‌های بیمه‌ای دولت از اقشار خاص بر دوش سازمان تامین اجتماعی بیفتد؛ از جمله قانون معافیت بیمه‌ای کارگاه‌های حداکثر تا ۵ نفر کارگر و کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر کارگر که در ماده ۱۹۱ قانون کار بر آن تاکید شده است. اصل ۲۷ قانون اساسی اما تاکید دارد که برخورداری از تامین اجتماعی حقی است همگانی و دولت مکلف است که طبق قوانین «از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم» حمایت‌های بیمه‌ای را به شهروندان ارائه کند. دولت بار مالی مصوباتش را بر گردن دیگران می‌اندازد. اینها همه موجب نارضایتی بیمه‌شدگان می‌شود؛ کلاهی گشاد است بر سر آنها. دولت با یک دست می‌دهد و با ده دست برمی‌گرداند، در نتیجه همه چیز می‌بینیم جز حمایت اجتماعی. اگر بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان به خیابان بیایند، آنوقت تکلیف چیست؟ آیا دولت پاسخگوست؟ حداقل انتظار ما این است که دولت پیش از بحران مسئولیت خسارات وارده به تامین اجتماعی را برعهده بگیرد.

ایلتا: در تجمع‌های بازنشستگان و در همایش‌هایی که با حضور آنها و مقام‌های سازمان تامین اجتماعی برگزار می‌شود، از زبان بازنشستگان مدام از کیفیت پایین خدمات درمانی و پرداخت نکردن هزینه‌های درمان از سوی شرکتی که بیمه تکمیلی بازنشستگان را پوشش می‌دهد، می‌شنویم. مشکل چیست؟ چرا خدمات درمان بازنشستگان را راضی نمی‌کند؟

گیلانی نژاد: زمانی که داروهایی مانند داروهای بیماری‌های خاص یا ۷۹ قلم داروی OTC را از پوشش بیمه خارج می‌کنند، شرایط امروز پیش می‌آید. درمان بازنشستگان هر روز نازل‌تر می‌شود. مانند آب خوردن آنها را به سمت بیمه‌های تکمیلی سوق می‌دهند. مطابق ماده ۲ قانون الزام، سازمان تامین اجتماعی مکلف است که کلیه خدمات کلینیکی، پاراکلینیکی، بیمارستانی اعم از پزشکی و دندانپزشکی را برای بیماران مشمول قانون تامین اجتماعی ارائه کند و هزینه‌ای از این بابت دریافت نکند یا در نهایت هزینه‌ای جزئی دریافت کند؛ اما هزینه‌ها را تنها تا سقفی می‌پردازد و باقی را به بیمه تکمیلی می‌سپارد! بیمه تکمیلی هم به هزار و یک دلیل از دامنه خدمات خود می‌کاهد یا هزینه‌های درمان بازنشستگان را پرداخت نمی‌کند. مثالی بزنم. بازنشستگان فولاد به خاطر نوع کاری که در ایام اشتغال داشتند دچار بیماری‌های خاص شده‌اند، اما بیمه یا پولی به آنها پرداخت نمی‌کند یا درصد کمی از هزینه‌ها را می‌پردازد. در نتیجه کارگر بازنشسته‌ای که ۳۰ سال در صنایع وابسته به فولاد کار کرده به خاطر هزینه‌های درمان بیماری، به زیر خط فقر می‌رود. آیا این زندگی شایسته اوست؟ از سویی یکی از مشکلات بزرگ جامعه بازنشستگان فارغ از اینکه بازنشسته چه صندوقی هستند، عدم آشنایی مدیران با مسائل درمانی و بیماری‌های شایع میان افراد مسن است. منظورم این نیست که مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی یا رئیس صندوق بازنشستگی کشوری، پزشک باشند؛ بلکه می‌گویم که باید با مسائل درمانی در سطحی قابل قبول آشنا باشند. باید در سوابق کاری خود حداقل مدیر یک شرکت بیمه بوده باشند. متأسفانه این مدیران از میان افراد صنعتی، استادان، فرمانداران و دیگر افرادی که معمولاً به سبب نزدیک بودن به هسته قدرت به عنوان مدیران عامل صندوق‌ها معرفی می‌شوند و چیزی از درمان نمی‌دانند، انتخاب می‌شوند. آنها حتی نمی‌دانند داروهای OTC چه هستند. نمی‌دانند نام ژنریک دارو با نام تجاری آن چه تفاوتی دارد. شاید این نداشتن‌ها خنده‌دار به نظر برسد؛ اما فاجعه است. به همین خاطر سلامت جامعه بازنشستگان در تهدید است و باید با صدای بلند آژیر هشدار را به صدا درآورد.

ایلنا: به تازگی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی ابلاغیه‌ای را صادر کرده است که بر مبنای آن املاک مزاد باید فروخته شوند تا با پول آنها بدهی سازمان به مراکز درمانی دولت و مراکز خصوصی پرداخت شود. ظاهراً هدف این است که خدمات درمانی این مراکز به بیمه‌شدگان تامین اجتماعی قطع نشود؛ اما همین هم محل مجادله شده است. نظر شما چیست؟

گیلانی نژاد: حرف منتقدان این است که نظارتی بر فروش املاک وجود ندارد. ممکن است که املاک مهم فروخته شوند. املاک مهم سازمان متعلق به بیمه‌شدگان است و نباید آنها را فروخت. اگر املاک سوخته را بفروشید، پس فردا که در تامین منابع مستمری‌ها به مشکل خوردید چه خواهید کرد؟ دست زدن به اموال بیمه‌شدگان بدون جلب رضایت آنها خیانت

است؛ چراکه ممکن است چند روز پس از فروش اموال سازمان بازرسی کل کشور ورود کند و تاکید کند که اموال سوخته فروخته شده‌اند. به جای این کارها مصرانه خواستار آن هستیم که بدهی ۲۱۰ هزار میلیارد تومانی سازمان تامین اجتماعی از دولت به حساب‌های سازمان برگردد؛ چراکه باید بدهی مراکز درمانی و داروخانه‌ها را پرداخت کنیم تا ارزش دفترچه بیمه‌ها کاهش نیاید. در کل اموال سازمان از سر راه نیامده که بدون نظارت بیمه‌شدگان یکجا فروخته شوند یا خرد شوند و به فروش بروند.

دانشوران: مایلیم نکته‌ای را درباره بیمه تکمیلی بی‌افزاییم. بیمه تکمیلی در تامین اجتماعی تکمیلی است. هدف بیمه‌های تکمیلی لوث کردن صندوق‌های بازنشستگی است. بازنشستگی که ۳۰ سال بلاانقطاع به یک صندوق حق بیمه پرداخت کرده‌اند، شایسته احاله دادن به شرکت‌های بیمه تکمیلی نیستند؛ آنهم به چند دلیل. دلیل اول را آقای گیلانی‌نژاد ذکر کردند. دلیل دوم این است که بازنشستگان در انتخاب شرکت بیمه تکمیلی که صندوق با آنها طرف قرارداد شده، سهمی ندارند؛ هرچند همانطور که گفتیم ما اعتقادی به بیمه تکمیلی نداریم. ذخایر صندوق‌ها آنقدر وسیع هست که صفر تا ۱۰۰ هزینه‌های درمان را پوشش دهند. اساساً در فضای غیرشفاف قرارداد سالم بسته نمی‌شود. اگر بگویید سالم قرارداد بسته‌ایم باید تعجب کنیم! شرکت‌های طرف قرارداد با صندوق سودگران سودپرستی هستند که می‌خواهند از ذخایر آن سوءاستفاده کنند. وقتی می‌گوییم قانون ساختار باید مستحکم و جایگاه نهادی آن تقویت شود، به همین دلایل است. همانطور که گفتیم کنار زدن قانون ساختار موجب شده که در طول سالیان، معاملات زیان‌بخشی به صندوق‌ها تحمیل شود. صندوق‌های بازنشستگی ما اموال ارزان را گران می‌خرند و ارزان‌تر از قیمتی که خریده‌اند به آشنایان و نزدیکان خود واگذار می‌کنند. مدیران صندوق‌های بازنشستگی ماشین امضا شده‌اند. ما خواستار آن هستیم که جلسات هیات امنای سازمان تامین اجتماعی و جلسات هیات مدیره این سازمان و جلسات هیات مدیره شستا و سایر صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از جمله شرکت‌های ارائه دهنده خدمات بیمه تکمیلی در اتاق‌های شیشه‌ای برگزار شود؛ منظورم این است که به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شوند تا هرکسی قادر باشد بر جلسات نظارت کند.

ما هم ادعا نداریم که می‌توانیم بر تمام مسائل نظارت کنیم؛ اما فایده این کار این است که کارشناسان بازار سرمایه، اقتصاددان‌ها، کارشناسان حوزه سلامت و... می‌توانند بر مصوبات نظارت کنند و آنها را به چالش بگیرند. شاید اعضای هیات امنای سازمان تامین اجتماعی ندانند که چه چیزی را تصویب می‌کنند؛ آنها که عقل کل نیستند. این کار از این جهت مهم است که اگر فردا روز بحران صندوق‌های بازنشستگی تشدید شود، می‌توانیم مقصران را با سند و مدرک به دستگاه قضایی معرفی کنیم.

گیلانی‌نژاد: آقای دانشوران به درستی به مسئله عدم تخصص اشاره کردند. در کشور متخصصان بسیاری را داریم که می‌توانیم به عنوان نمایندگان خود برای شرکت در جلسات هیات‌امنا و هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی و شستا معرفی کنیم.

ایلنا: واگذاری بانک رفاه کارگران در بورس از دیگر مواردی است که شما به آن اعتراض کرده‌اید. استدلالتان برای این مخالفت چیست؟

گیلانی‌نژاد: من بورس را قبول ندارم. در بحران اقتصادی ۲۰۰۸، سفته‌بازان بازار بورس اقتصاد آمریکا را زمین زدند و بحران جهانی ایجاد کردند. به عقیده من بورس یعنی قمار، بورس یعنی تاس انداختن و شانس خود را امتحان کردن. حال ممکن است یکی پیدا شود که این تاس را از شما بگیرد و جای آن کلوخ دستتان بدهد! روی بورس نمی‌توان حساب باز کرد؛ نه در ایران، نه در آمریکا، نه در ژاپن و نه در هیچ کشور دیگری؛ به اضافه اینکه بانک رفاه کارگران زمانی که به بورس برود دیگر نمی‌توان به آن چنین عنوانی را اطلاق کرد؛ بلکه می‌توان گفت: «بانک رفاه بورس بازان!» طرفداران ورود بانک رفاه کارگران به بورس همین را می‌خواهند. این یکی از سیاست‌های نولیبرالیسم است. صاحبان این مکتب می‌خواهند در کشور سفته بازی حاکم باشد.

ایلنا: قطعا دولت از واگذاری بانک رفاه کارگران حمایت می‌کند.

گیلانی‌نژاد: خب، حمایت کند! دولت برای بیمه‌شدگان تامین اجتماعی خیری نداشته و ندارد. دولت فقط دست گرفتن دارد. مدیرانی که امروز از جدایی بانک رفاه کارگران از مجموعه سازمان تامین اجتماعی حمایت می‌کنند و مدیرانی که هیچ اثرگذاری در امور شستا و تامین اجتماعی ندارند، باید پاسخگو باشند. آنها بدون ایده و آورده حق سهم خواهی از سازمان تامین اجتماعی را ندارند. اگر بر اثر فعالیت‌های موثر آنها ثروتی ایجاد شود، می‌توانند از درصدی از سود بهره‌مند شوند؛ اما زمانی که وجودشان حاصلی ندارد، به آنها نیاز نداریم و در آینده هم نخواهیم داشت. ما به آنها در خروج را نشان می‌دهیم و می‌خواهیم که خودشان با پای خودشان بروند. بیمه‌شدگان تامین اجتماعی شرکت ورشکسته در شستا نمی‌خواهند. آنها شرکت‌های سودده و پربازده می‌خواهند. به شرکت‌های خودروسازی نگاه کنید که چگونه به خاطر نحوه مدیریت ورشکسته شده‌اند؛ تازه اینها شرکت‌هایی هستند که خودروی تولید نشده را پیش‌فروش می‌کنند! آنهم چند برابر ارزش کالا پول می‌گیرند و حاصلی هم ندارند. خب چه چیزی را پنهان کردید که حالا مجبور به اعلام ورشکستگی و اظهار عجز شده‌اید. چه کرده‌اید که پنهانکاری هم سودی برایتان ندارد و حالا یک به یک بازداشت می‌شوید. ما نظیر این شرکت‌ها را در شستا نمی‌خواهیم؛ هرچند مدیران شستا در این مسیر پا گذاشته‌اند.

ارزش سهام یکی از همین شرکت‌های خودروسازی حداقل ۵ ماه است که تکان نخورده، چرا؟ مگر شما خوب نمی‌فروشید پس چرا ارزش سهامتان افت می‌کند. حالا رئیس جمهوری اصرار دارد که شستا را در بورس ببریم. با این اوضاع چه انتظاری از شرکت‌های شستا دارند؟ مگر آنها می‌توانند بیشتر از غول‌های خودروسازی ایران در بازار بورس تاثیرگذار باشند و شق القمر کنند؟! به هر شکل اگر مدیران متخصص وارد شستا شوند و شستا وارد بورس نشود، می‌توان به آینده آن امیدوار بود؛ اگر وارد بورس شد باید فاتحه آن را خواند. برای طبقه کارگر و برای سازمان تامین اجتماعی بسیار بسیار بهتر است؛ که شرکت‌های شستا به سوددهی برسند. اینگونه سطح تولید بالا می‌رود و کارگرانی که بیکار شده‌اند، استخدام می‌شوند. در نتیجه افراد بیشتری حق بیمه می‌پردازند و ورودی‌های صندوق بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی افزایش می‌یابد. متأسفانه در ایران نظام سرمایه‌گذاری توسط صندوق‌های بازنشستگی معلول است. بر هر کجای آن هم که دست می‌گذارید، ناکارآمدی را حس می‌کنید.

دانشوران: با اطلاعاتی که از کارشناسان گرفتیم، فهمیدیم که بازار بورس موتور پول‌سازی برای ثروتمندان و موتور قمار برای افراد کم درآمد است. اینکه شستا و بانک رفاه کارگران ورود بازار بورس شوند را مناسب نمی‌دانم. بانک رفاه کارگران با کار مشتقتبار کارگران شکل گرفته است. اینکه این بانک را به اصل ۴۴ تسری دهیم بی‌معنی است. متعلقات بازنشستگان و بیمه‌شدگان را نمی‌توان خصوصی کرد؛ اما دست‌هایی در کار است؛ دست‌هایی که هدفی جز غارت اموال نیروی کار ندارند. در نهایت ملت از قمار این دست‌ها آسیب می‌بیند و نحیف می‌شود.

گیلانی‌نژاد: ما با یکسری قوانین ضدتولید، ضدکارگر و ضدمنافع ملی مواجه هستیم. طوری قانون می‌گذارند تا همه را بن‌بست بکشانند. ما می‌دانیم اگر بانک رفاه کارگران وارد بورس شود، عمرش به ۴ یا ۵ سال هم نمی‌رسد. بعد از آن چیزی به نام رفاه کارگر وجود نخواهد داشت. نمی‌خواهم بگویم که بانک رفاه برای کارگران شق القمر کرده است؛ اما زمانی از قبل همین بانک، کارگران خانه‌دار شدند. در کنار این موضوع باید به اشتغال کارگر هم توجه نشان داد. پرسش من از وزیر امور اقتصاد و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی، وزیر صنعت، معدن و تجارت این است که چرا افسار نقدینگی را به دست نمی‌گیرند؟ چرا نقدینگی را به سمت تولید هدایت نمی‌کنند؟ چرا مثلاً از صنایعی که ریل قطار و واگن تولید می‌کنند، حمایت نمی‌کنند؟ چرا از کشور چین ریل و لوکوموتیو وارد می‌کنند؟ لوکوموتیو سازی‌های ما با کمتر از ۱۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند! یعنی ببینید یک چرخه معیوبی را درست کرده‌اند که در این چرخه معیوب هر قسمتی به بن‌بست می‌خورد. صندوق بازنشستگی به بن‌بست می‌خورد. اموال ما در بانک‌ها غارت می‌شود و به خارج از کشور ارسال می‌رود. ذی‌نفعان ثروت ملی تنها ۱ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند. ۹۹ درصد دیگر هر روز ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شوند.

گفتگو: پیام عابدی

یادداشتی بر مصاحبه با خبرگزاری ایلنا

در تاریخ ۲۸ مهرماه سال جاری مصاحبه ای به همراه یکی از بازنشستگان فلزکارمکانیک در خبرگزاری ایلنا نمودم که متأسفانه بخشی از مصاحبه باعث سوتفاهم خوانندگان گردید. لذا این یادداشت را جهت روشن شدن مواضع خودمان می نویسم.

۱- ما از هر امکانی که بتواند صدای حق طلبی کارگران را منعکس کند استفاده کرده و خواهیم کرد و به همین خاطر از تنها خبرگزاری که مختص خبرهای کارگری است سالها استفاده می کنیم

۲- خبرگزاری ایلنا وابسته به خانه کارگر است و بی تردید همه آنچه ما در آنجا گفتگو می کنی مرا رسانه ای نخواهد کرد و ما نیز درک می کنیم که در کجا و با چه خبرگزاری مصاحبه می کنیم

۳- در بخشی از مصاحبه من چنین گفته ام: «گیلانی نژاد: یکی از پرسش‌های جامعه بیمه‌پردازان از رئیس‌جمهوری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی این است که چطور قانونی را که شورای نگهبان تصویب کرده، اجرایی نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که دست‌های پنهان و قدرتمندی وجود دارند که مانع از اجرای قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی می‌شوند...»

این عبارت من تکمیل کننده صحبت های دوست خوب آقای دانشوران است و در ادامه اجرا نشدن قانون ساختار جامع رفاه و تامین اجتماعی است. تاکید من بر روی مافیایی است که حتا قانونی را هم که شورای نگهبان تایید می کند را از اجرایش ممانعت می کنند. نه اینکه من موافق شورای نگهبان و مصوبات آن در کل هستم.

با درود به همه خوانندگان مازیار گیلانی نژاد

اصابت موشک به اندوخته های زحمتکشان!

به نوشته روزنامه جوان ۲۵ مهر، نفتکش ایرانی اصابت دیده از موشک، متعلق به شستا و جزو اندوخته های زحمتکشان در تامین اجتماعی است. سوال این است آیا این کشتی بیمه بوده است؟ و مبلغ بیمه اش چه میزان می باشد؟ آیا این مبلغ بیمه، کفاف هزینه های تعمیراتی اش را می دهد؟ و اگر بیمه نداشته مسوول این خسارت وارده به اموال زحمتکشان چه مقامی است؟

متاسفانه از زمان بنیان گذاری سازمان تامین اجتماعی از سال ۱۳۲۶ به مدت ۷۰ سال، که با اندوخته های کارگران صورت گرفته است هیچگاه در مورد درآمدها و هزینه ها شفاف سازی نشده است. هیچگاه در مورد عملکرد مدیران این سازمان و مجموعه اقتصادی زیر مجموعه اش در شستا گزارشی به صاحبان آن یعنی زحمتکشان داده نشده است. اما همیشه فریاد اوایلای ورشکستگی از دهان مدیران ریز و درشت این سازمان شنیده می شود. طبقه کارگر ایران به ویژه بیمه شدگان از دولت و مدیران سازمان تامین اجتماعی می خواهند:

- ۱- سایتی را جهت شفاف سازی عملکرد سازمان و مدیرانش راه اندازی کرده تا قابل دسترسی برای همگان باشد ۲- لیست کل دارایی های سازمان را اعلام کنند ۳- هزینه ها و درآمدها را بطور شفاف در معرض دید صاحبان اصلی سازمان یعنی زحمتکشان بگذارند ۴- هرگونه معامله، خرید و فروش باید در آن سایت منعکس شده و قابل دسترسی برای همگان باشد تا جلوی رانت خواری و فساد گرفته شود ۵- سوابق همه مدیران شاغل در سازمان در سایت وجود داشته باشد تا مشخص شود شایسته سالاری صورت گرفته است یا نه؟ ۶- عملکرد همه زیر مجموعه در آن سایت قابل دسترسی برای همگان باشد. ۷- حقوق و مزایای همه مدیران ارشد و میانی در سایت موجود باشد.

اینها تجربیاتی است که در برزیل برای جلوگیری از فساد توسط لولاداسیلوا رییس جمهور و کارگر فلزکار اتخاذ شد و دست های پنهان بسیاری را رو کرد و آمار فساد به سرعت پایین آمد. **تحریریه پیام سندیکا**

فهلہ میدانیندا بئکار قالیب

اؤوه قاییداندا اوتانیرام

بیلمیرم قاپینی نئجه

چالیم دئییرم ایندی

بالاجا قیزیملا بالاجا اوغلوم

قاپینی آچار

آتام گلدی دئییه دئییه

قباغیما قاجیب

منن پول ایسته یه جکلر

بس اونلارین اوزونه نئجه باخیب

نئجه یوخ دئییه جه ییم

بئکار چیلیق بیر دردی

جیبی بوشلوق مین درد

بو نئجه زاماندير

بیز یاشاییریق آخی؟؟؟؟!!!

یاشاییریق اولنده دئییه لر

راحات اولدو؟؟؟؟!!! حسین امید (اورمان) کارگر سندیکای نقاش تهران

کاشانه ها بر باد رفته است
 و دیگر صدای پتک محکم آهنگر
 صفحه گرم پولاد را خم نمی کند .
 همین امروز بامدادان
 که پگاه صبح بر آمد
 اشک از دیده آهنگر پیر
 سرازیر شده است
 چرا که نیرویی از شوق
 برایش نمانده است .
 پیرمرد نمی داند

که چرا کار بی مزد انجام میدهد؟!
 پتک های سنگین و گرمای حرارت سوز
 تکه های گوشت بدنش را آب کرده است
 او با دستان ترک خورده اش
 همچنان بر آهن می کوبد.
 او بیش از حد انتظار کار می کند
 پس چرا جواب زحماتش

و ریال دستمزدش

در دست خداوندگاران قدرت

همچنان سنگینی می کند؟! !

او به ضربه های گوشخراش پتک

همچنان گوش سپرده است

و یاد ضربه های سنگینی افتاده است

که چگونه گوشه‌هایش را ناکار کرده اند.

زحمت کار طاقت فرسای پیرمرد

در نان بخور و نمیر خلاصه شده است

تا کاشانه اش بر باد نرود؛

و بی آنکه ز خود آگاه باشد

تمام وجودش بر باد رفته است.

(وارتان خرم‌دین، کارگر پروژه ای پارس جنوبی عسلویه)

دکترین شوک چیست؟

✓ "دکترین شوک" نام کتابی نوشته نائومی کلاین، روزنامه نگار و فعال اجتماعی کانادایی، است که بیش از همه به خاطر تحلیل‌ها و نقدهایش بر جهانی سازی شرکتی شناخته شده است. این نقدها و تحلیل‌ها از دیدگاه سوسیال دموکراسی وارد شده است.

✓ نائومی کلاین معتقد است "شوک" در سه مرحله اتفاق می‌افتد:

✓ شوک اول با سواستفاده ابرشرکتهای چندملیتی از حوادثی چون، جنگ، حمله‌های تروریستی، کودتا و حوادث طبیعی رخ می‌دهد.

✓ در شوک دوم، بنگاه‌ها و شرکتهای بزرگ با استفاده از قدرت سیاسی و سیاستمداران وابسته به خود، با انجام طرحی برنامه ریزی شده و کاشتن بذر ترس، از بهت و پریشانی و سر درگمی مردم در آن لحظات استفاده می‌کنند و تغییرات رادیکال اقتصادی و سیاسی را به وجود می‌آورند.

✓ شوک سوم زمانی وارد می‌آید که افراد با موج دوم شوک به مقابله بر می‌خیزند و با واکنش خشونت آمیز پلیس و ارتش با زندان روبرو و سرکوب می‌شوند.

✓ نائومی کلاین می‌نویسد که اجرای برنامه‌های اقتصادی نولیبرالی، از جمله نسخه‌های تجویزی "صندوق بین‌المللی پول" و "بانک جهانی"، نیازمند این هستند تا جامعه از طریق شوک، وادار به اطاعت و پذیرش برنامه‌هایی شود که در شرایط عادی برای توده‌های مردم بسیار نامطلوب است.

✓ کلاین بهره بردن پینوشه (دیکتاتور معروف آمریکای جنوبی) از توصیه‌های اقتصادی مستقیم فریدمن و شاگردانش، پس از کودتا در شیلی، را به عنوان واقیعی تاریخی دستمایه این دیدگاه قرار می‌دهد که نظام سرمایه‌داری و مکانیسم اقتصاد بازار تنها توسط سرکوبگران و دیکتاتورها اجرا می‌شود.

مدیر مدرسه

مدیر مدرسه ای در کلکته هندوستان، این نامه را چند هفته قبل از شروع امتحانات برای والدین دانش آموزان فرستاده است:

والدین عزیز، امتحانات فرزندان شما به زودی آغاز می شود. من می دانم شما چقدر اضطراب دارید که فرزندان بتوانند به خوبی از عهده امتحانات بر آیند. اما لطفن در نظر داشته باشید که:

در بین این دانش آموزان یک هنرمند وجود دارد که نیازی به دانستن ریاضیات ندارد.

یک کارآفرین وجود دارد که نیازی به درک عمیق تاریخ یا ادبیات انگلیسی ندارد.

یک موزیسین وجود دارد که کسب نمرات بالا در شیمی برایش اهمیتی ندارد.

یک ورزشکار وجود دارد که آمادگی بدنی و فیزیکی برایش بیش از درس فیزیک اهمیت دارد.

اگر فرزندان نمرات بالایی کسب کرد عالی است. در غیر این صورت، لطفن اعتماد به نفس و شخصیتش را از او نگیرید.

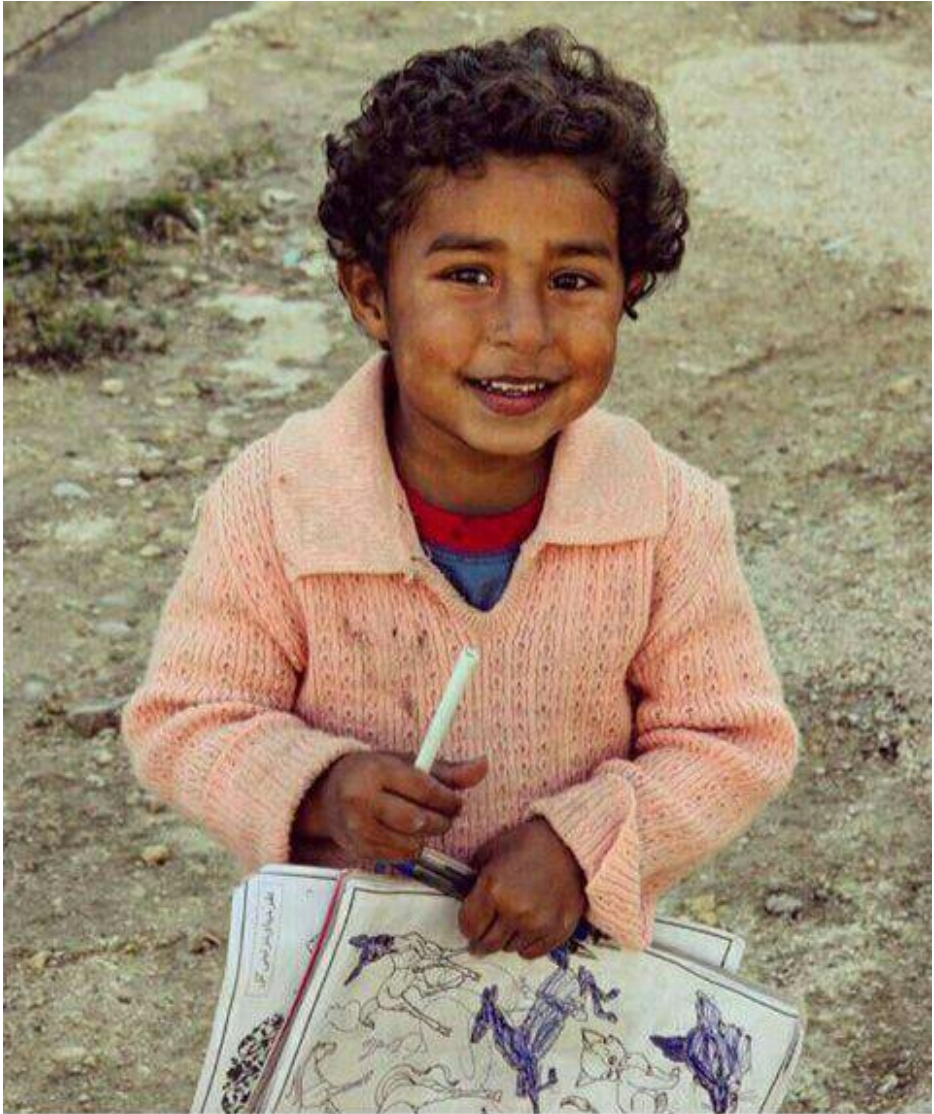
به آنها بگویید مشکلی نیست آن فقط یک امتحان بود و آنها برای انجام چیزهای بزرگتری در زندگی به دنیا آمده اند.

به آنها بگویید فارغ از هر نمره ای که کسب کنند شما آنها را دوست خواهید داشت و آنها را قضاوت نخواهید کرد.

لطفن این را انجام دهید تا ببینید چگونه فرزندان جهان را فتح خواهند کرد. یک امتحان یا نمره پایین نبایستی آرزوها، استعداد و اعتماد به نفس آنها را فدا کند.

و در پایان، لطفن فکر نکنید که دکترها و مهندسی تنها انسان های خوشحال و خوشبخت روی زمین هستند.

با احترام فراوان مدیر مدرسه



تحصیل حق هر انسانی است و دولت‌ها موظفند این حق را مهیا کنند!
کودک آموزش دیده دنیای بهتری برای جامعه اش تدارک خواهد دید!

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

در اتوبوس

در جامعه ما بعضی اشتباهات وجود دارد. اگر به هر کی بگویی، می گوید ولش کن بابا شدنی نیست.

در دهه های گذشته آنقدر به نوبت نان معطل می شدیم، حالا با اینکه گران است. اما می توان راحت تهیه کرد. قبلن نانواها سلامان را نمی گرفتند. البته گوششان سنگین شده بود. آنها هم غرق مشکلاتشان بودند. نفت، گازوئیل، بنزین، کپسول گاز، بعضی داروها، کود شیمیایی و..... خیلی مشکل بود.

اگر مسئولین بخواهند تمام مشکلات را حل کنند می شود، به شرطی که اول از خودشان شروع کنند.

صبح سوار اتوبوسی شده بودم. نزدیک راننده نشسته بودم. آقای راننده دزدکی با گوشی صحبت می کردند تا اون دستگاهی که جلو نصب شده بود، نبیند. بغل تمام صندلی ها نایلون بسته بود، تا آشغال را بر زمین نریزند. اما خودش هرچه بدستش می رسید از شیشه ای بغلی می انداخت بیرون. نزدیکی خودش نایلونی نبود. یواشکی سیگار می کشید، آهسته دود می زد تا مسافری متوجه نشوند.

یادم آمد زمانی پشت تمام صندلی ها جای سیگاری بود حتی در قطارها اما خودبخود از بین رفت. حالا کسی در اماکن عمومی سیگار نمی کشد. در بعضی خانواده ها در منزل نمی کشند. حتمن می آیند به حیاط یا بیرون.

پس می شه درست کرد، به شرطی که اول از خودمان شروع کنیم. یارو هر روز دو پاکت سیگار می کشد یعنی ۴۰ عدد ته سیگار را بر زمین می اندازد.

حساب کنید. نصف کشور سیگاری هستند چند نخ سیگار دود می شود و ته سیگارش کجا می رود؟؟

ما در گذشته در درس هایمان خواندیم دیگران کاشتند ما خوردیم، ما بکاریم دیگران بخورند. یا ما بخوریم دیگران بمیرند!!

از پیدایش بشر تا حالا اگر دقت کنیم در طول این ۵۰ سال شاید به اندازه ۵۰۰ سال ما انسانها کره زمین را نابود کرده ایم.

تنها دود نیست. شاید صدای زیاد هم باعث نابودی تعدادی از موجودات بشود تنها هوا نیست که آلوده کرده ایم.

رفته بودم خانه یکی. دیدم بجای پوستر زیبا که عکسی از طبیعت، گل و... باشد یک خنجر را با سپر زده به دیوار. پرسیدم با این شمشیر یا خنجر چه می کنند؟؟؟ فکرشو کردی؟؟ حتمن انسان می کشند دیگه مگه نه؟؟

گفتم وقتی بچه ات به این نگاه می کند اگر از تو پرسید این چیه؟ چه جوابی خواهی داد!!!!!!.

نگاهی کرد، گفت: راست می گی ها. من اصلن فکرشو نکرده بودم.

اگر از خودمان شروع کنیم می شه..

کازیم عاشقی

زنگ خطرهایی بیشتر برای درمان و بهداشت بازنشستگان. حلقه فشار تنگتر می شود.

شرایط بیمه پایه تامین اجتماعی و خدمات درمانی به جایی رسیده که عملن استفاده از آن غیرممکن شده است. کارگران و شاغلین و بازنشستگان مجبور می شوند تا از بیمه های تکمیلی استفاده کنند که از بازنشستگان حدود ۴۰ هزار تومان بابت آن کسر می شود. تا سال گذشته بازنشستگان لاقبل می توانستند بابت هزینه های بستری و MRI از بیمه استفاده کنند اما الان به این دلیل که تامین اجتماعی بدهی های خود را به مراکز درمانی تحت پوشش خود پرداخت نکرده است، از پذیرش بیماران سرپاز می زنند و گاهی بازنشستگان را مجبور می کنند تا مبالغ بیمه پایه را خودشان پرداخت کنند. در نتیجه روزبه روز بیمه ها بیشتر از اعتبار ساقط می شود. از طرفی بسیاری از خدمات درمانی به بخش خصوصی منتقل شده اند که تعرفه هایشان چندین برابر بخش دولتی است. برای مثال بیمارستان میلاد داروهای معمولی را به دلیل پوشش بیماری های خاص از بیمه خارج کرده است. یک بازنشسته بین ۳۰ تا ۳۵ سال بیمه پرداخت می کند و بعد از بازنشستگی نیز ۲ درصد از دستمزدش را بابت همین دفترچه ها می پردازد که روزبروز اعتبار و ارزش آن کمتر می شود.

یکی از بازنشستگان در این خصوص می گوید: من چندی پیش به تامین اجتماعی رفته و به روند کاهش خدمات بیمه ای تامین اجتماعی اعتراض کردم. اما آنها توصیه کردند که به بیمارستانهای تامین اجتماعی مراجعه کنید. درحالیکه مشکل اینجا است که در این بیمارستانها برای یک MRI ساده مدت زیادی باید در نوبت بمانیم. بستری شدن در این بیمارستانها که مصیبت مطلق است. برای بیماری هایی گاهی زمان اهمیت زیادی دارد. برای یک عمل جراحی که هشت میلیون تومان هزینه آن بوده است، نزدیک به ۳ میلیون تومان بابت بیمه پایه باید پرداخت کنیم.

بدهی دولت به صندوقها و ناکارآمد بودن بیمه گذاران بخش خصوصی در تامین درمان بیماران، روزبروز کمیت و کیفیت بهداشت و درمان را نحیف تر کرده و سد عظیمی در مقابل بازنشستگان قرار داده است.

بی دلیل نیست که "مطالبه درمان رایگان و فراگیر" یک خواسته به حق و به جاست.

من و مسیح زنده و لاتاری!



من، این سوژه ی تنه‌ایم در فرودست ترین طبقه!

تمامیِ بژه‌ها به سوی فتح اند و سرمایه و مال اندوزی؛ چه چیزی خواهد توانست این سوژه ی غم زده را تا مرگ، “امید” وار نگاه دارد؟

هی رفقا، اصلاً از خردورزی و تلاش و کوشش مان سخنی در میان نیست؛ ما می‌کوشیم تا به امید، تا لحظه ی مرگ به امید طبقه ی فرادست، نفس بکشیم. مسیح که همه دیدند به وضوح مُرد؛ اما برخی امیدوارند به زندگی اش؛

ولی سرمایه داری، انواع قمار و لاتاری و قرعه کشی را تمهید کرده برای “امید” ما.

موضوع بسیار ساده است، امیدی برای فرار از طبقه ی فرودست به این بورژوازی متعفن و بی‌مایه وجود دارد! تنها راه امید، همین هاست:

لاتاری، گنج، ازدواج با زیدی مایه دار و ... “شانس”!

رفقا! تنها باید کفگیرها را کشید به زیر دیگ و بر هم زد این ساز و کار بی‌عدالتی کم امید را! ما به دشنه و خشونت بر هم می‌زنیم تا تحقق مسلم عدالت.

هیچ شانس‌ی در مخیله مان نیست. ما خواهان قطعیت هستیم به چنگال توانمند انسان، هر آنچه می‌خواهیم را به دست خواهیم آورد.
ش.ص.زاهدی

تجربه‌های زنان

مینا که قبلاً در یک کارگاه پرورش قارچ به عنوان یک تجربه تعاونی خصوصی و البته بدون حمایت دولت و بخش تعاون وزارت رفاه، کار می‌کرده، اکنون بیکار است؛ او به همراه چند زن سرپرست خانوار دیگر کارگاه را برای چند سال متوالی با هزار زحمت و گرفتن وام‌های پربهره بانکی سر پا نگه داشتند اما در نهایت به دلیل گرانی مواد اولیه و اجاره کارگاه، مجبور به تعطیلی کار شدند.

مینا، زن سرپرست یک خانوار ۳ نفره، امروز تقریباً شش ماه است که دیگر بیمه نیست و می‌گوید: «اکنون که بیکار شده‌ام از راه بافتنی در خانه روزگار می‌گذرانم و طبیعی‌ست که نمی‌توانم از درآمد محدودی که از این راه به دست می‌آورم، ماهی ۵۰۰ هزار تومان برای بیمه خویش‌فرما بپردازم؛ بیمه‌ام را قطع کردم و نگران آینده هستم؛ حدود ۷ سال سابقه بیمه دارم اما نمی‌دانم آیا روزی دوباره می‌توانم به جمع بیمه شدگان بازگردم و به مستمری بازنشستگی امیدوار شوم؟»

زهرا، زن مطلقه‌ای که امروز فرزندانش ازدواج کرده‌اند، تنها زندگی می‌کند؛ او هیچ زمان جایی شاغل نبوده و حق بیمه اجباری برای او پرداخت نشده؛ زهرا تنها بعد از متارکه و طلاق، مجبور شده برای امرار معاش در متروی تهران دستفروشی کند؛ اشتغالی در بازار کار غیررسمی که در چهل و چند سالگی آغاز شده. او می‌گوید: «زمانی تحت پوشش بیمه همسرم بودم و دفترچه درمانی داشتم اما الان خودم دستفروشی می‌کنم؛ من حتی یک روز هم سابقه بیمه ندارم؛ تا روزی که بتوانم کار می‌کنم و بعد از آن هم هیچ منبع درآمدی ندارم؛ من نمی‌توانم ماهی ۵۰۰ هزار تومان بابت بیمه خویش‌فرما بپردازم تازه به فرض محال اگر این پول را داشتم از پنجاه سالگی باید تا ۸۰ سالگی حق بیمه بدهم که تازه بعد از ۸۰ سالگی بازنشسته شوم و مستمری

بگیرم؛ مستمري بعد از ۸۰ سالگی دیگر به چه کار من می‌آید؟! آیا به نظر شما مسخره نیست؟!»

بیمه، حقی شهروندی

سرگذشت این ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار زن که با وجود کار و تلاش برای امرار معاش، تحت پوشش بیمه نیستند، یکسان نیست اما نگرانی‌ها و دلهره‌هایشان یکسان و همانند است؛ زنانی که از یک روزی به بعد مجبور شده‌اند برای امرار معاش پا به خیابان، راهروهای تاریک مترو، کارگاه‌های زیرپله‌ای و غیررسمی و یا محیط‌های کار خانگی بگذارند و فقط امروز را بدون امید به فردا، با کمتر از حداقل دستمزد قانونی سر کنند؛ این زنان هم از اشتغال رسمی و ایمن محرومند و هم از حمایت‌های اجتماعی بیمه؛ بسیاری از این زنان خودشان نیز نمی‌دانند که برخورداری از «بیمه» براساس قانون اساسی یک «حق شهروندی» است و به نوع اشتغال افراد ربطی ندارد.

اصل ۲۹ قانون اساسی به صراحت تمام می‌گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

گرچه این اصل قانونی، برخورداری از تأمین اجتماعی را به صراحت، حق یک یک افراد کشور می‌داند اما در بین این یک یک شهروندان کشور، حدود ۲ میلیون زن مثل مینا و زهرا هستند که از این «حق»، نصیبشان فقط یک «هیچ» است...

گزارش: نسرين هزاره مقدم

گزارشی از فعالیت های پویش ته سیگار را با خودت ببر!



نهم مهرماه اعضای پویش با شهردار منطقه ۴ کرج در مهرشهر، آقای سعادت دیدار کردند. در این دیدار خانم بهاور از باشگاه کوهنوردی مهرالبرز، خانم سبزه پرور از خیریه ی پنج تن و خانم صادقی و آقای گیلانی نژاد از گروه کوهنوردی فلزکار حضور داشتند. آقای سعادت پس از شنیدن موضوع پویش ته سیگار و فعالیت های آن...قول دادند که شهرداری:

۱- هزینه های گروه پویش از جمله؛ تهیه ی بروشورهای آگاهی دهنده مربوط به ته سیگار و بنرهای مربوط کارهای فرهنگ سازی رو متقبل می شوند.

۲- پیشنهادهای پویش را در رابطه با فرهنگ سازی در مدارس و ادارات و جهت آشنایی با اهداف این پویش در حد امکان و تبلیغات مربوطه عملی سازند.

۳- درمورد نصب ظرف یا سطل هایی برای ته سیگار همکاری کرده و آن ها تعبیه نمایند.

۴ - آقای سعادت تقاضای هم اندیشی و کمک فعالان پویش را در مورد سگ های ولگرد که نه آسیب به آن ها برسد و نه مردم آسیب ببینند، را داشتند...

۵ - آقای شهردار مسئول فضای سبز شهرداری؛ مهندس نخبه زارع را جهت همکاری به دفتر خود فرا خواندند و درخواست همکاری را کتبا تحویل ایشان دادند.

همچنین روز سه شنبه همان روز ساعت ۵ عصر اعضای پویش برای جمع آوری ته سیگار به پارک مکه مهرشهر رفته و در حین نصب شعارها دو نفر از مسئولین پارک مراجعه نموده و اعلام کردند که مکانی را به عنوان دفتر برای کارهای پویش بنا به دستور شهردار و اجراییه ی مسئول فضای سبز اختصاص داده اند که خانم بهاور بعد از بازدید از مکان، آنجا را برای فعالیت مناسب ندیده و پیشنهاد ساختمان جدیدالتاسیسی که در مرکز پارک و در معرض دید بیشتری است، را دادند.

بعد از نصب شعارهای محیط زیستی در پارک اقدام به پاکسازی شد که با استقبال مردم به ویژه جوانان رو به رو گردید.

در این زمان خانم بهاور به عزیزانی که در پارک برای ورزش و پیاده روی آمده بودند درباره ی اهداف پویش و خطرات ته سیگار و کاربرد آن در صنعت اطلاعاتی دادند.

-تعدادی از جوانان که در پارک ورزش می کردند به قسمت بزرگی از پارک که بایر و بلا استفاده است اشاره کرده و پیشنهاد کردند که آنجا به زمین بسکتبال و فعالیت های ورزشی اختصاص داده شود تا جوانان از آنجا استفاده کنند و وقتشان به بطالت نگذرد. لازم به ذکر است که سگ های بی پلاک و بی سرپرست زیادی در پارک مشاهده میشد.

ساعت ۶:۳۰ پویش به کار خود پایان داد.

با ما همراه باشید...

Telegram: @tahsigaretrobar

Instagram: tah_sigar_campaign



اولین پاکسازی گسترده مردمی پویش ملی: # ته_سیگارت_را_با_خودت_ببر

۱۶ مهر ۹۸ با همراهی و حضور فعال میهمانان گرامی: (آغازگر پویش در مهرشهر کرج سرکار خانم بهاور و گروه کوهنوردان فلزکار) انجمن دوستداران توسعه پایدار، پویش سه‌شنبه‌های بدون خودرو، کانون طبیعت و سلامت مازند، گروه خیریه منشاء، انجمن یاریگران، انجمن دل‌آرامون و انجمن امداد به بیماران سرطانی قائمشهر، آقای میرزایی از شورای شهر و آقای دکتر گران ریاست مرکز بهداشت و آقایان مهندس رضایی و یدالهی از اداره محیط زیست قائمشهر) در شهرستان قائمشهر کلید خورد.

تصاویر، تراکت و پلاکاردهایی با شعارهای مرتبط با محتوای پویش و همچنین کاورهایی با شعار: از خودمان شروع کنیم و نام پویش: ته سیگارت را با خودت ببر که توسط کمیته پسماند شهرداری کرج آماده شده بود توسط میهمانان عزیزمان بین همه جمعیت حاضر توزیع شد.

چرا سندیکاهای کارگری با نئولیبرالیسم مخالفند؟ (۲)

بسیاری از کشورها برای فعال کردن اقتصاد خود به تشویق سرمایه گذاران خارجی می پردازند و درخواست وام از صندوق بین المللی پول می کنند. صندوق بین المللی پول برای دادن وام و یا اجازه سرمایه گذاری دستوراتی دارد که باید کشور وام گیرنده آن را اجرا کند که از این قرارند:

۱- ارزان نمودن نیروی کار یعنی دستمزدی در حد بخور و نمیر ۲ - کم ارزش کردن پول ملی در مقابل دلار ۳ - حذف سوبسیدها در زمینه آموزش، درمان، غذا ۴ - خصوصی سازی باز گذاشتن سرمایه داران داخلی برای غارت اموال عمومی ۵ - واردات بی رویه ۶ - تک محصولی کردن صادرات کشور. با اجرای این دستورات سفره های کارگران هر روز کوچکتر شده و قدرت خریدشان با ارزان کردن دستمزدها و نابودی صنایع کشور و ارتش بیکاران اجرایی خواهد شد.

❖ فرزندان زحمتکشان با خصوصی شدن آموزش تحصیل نکرده و از همان کودکی باید به نیروی کار تبدیل شوند. خصوصی شدن بهداشت و درمان به معنای این است اگر پول داری زنده بمان وگرنه جز مرگ چاره ای نیست. با واردات بی رویه اقتصاد، صنعت، کشاورزی، دامداری، باغداری از بین رفته و همه مایحتاج کشور وابسته به خارج می گردد تا حتا کش شلورمان را هم از خارج باید وارد کنیم.

با تک محصولی کردن اقتصاد کشور به نفت دولت ها هر زمان خواستند می توانند از این موضوع استفاده کرده و نفت را نخرند تا بی پولی کشور را زمین بزند. کاری که امروزه با ما دارند انجام می دهند. با وابسته شدن اقتصاد کشور به یک محصول صنایع نابود و لذا بیکاری، و فقر و ارتش بیکاران برای کار کردن با دستمزدی کمتر و ناهنجاری های اخلاقی در کشور اتفاق خواهد افتاد. به همین خاطر کلیه تحولات مترقی چه در عرصه سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ، به بن بست رسیده و مطابق میل سیاستمداران ضد کارگری به جامعه عرضه خواهد شد.

❖ کانال دانش و کارگر ❖ بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک



بزئید و باز هم بزئید!

نه دزدی کرده‌ایم و نه حق کسی را خورده‌ایم!

خصوصی سازی ما را به گدایی و بیکاری کشانده است!

کارخانه امان باید از دست رانتخواران بیرون بیاید!

ضربه های باتون تو به من، نتیجه سیاست های غلط و ضد کارگری
نئولیبرالیسم است که دو برادر را که هر دو به نان شب شان محتاجند
روبروی هم قرار داده است.

آنچه جنبش کارگری تاکنون به شما داده است

- تعطیلات آخر هفته
- اضافه کار
- ۸ ساعت کار روزانه
- حداقل دستمزد
- تعطیلات با حقوق
- مرخصی استعلاجی
- استاندارد ایمنی محیط کار
- قوانین کار کودک
- مزایای تامین اجتماعی
- حقوق بازنشستگی
- بیمه بیکاری

نگذارید طبقه سرمایه‌دار همه این‌ها را از شما بگیرد!